ارائه نظریه داده بنیاد برای تبیین فرآیند پرورش دانش‌آموزان خودنظم‌ده در مدارس ابتدایی با تأکید بر نقش معلمان

ندا اشرفیان[۱]، کیوان صالحی[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۳۰ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۳/۲۲

چکیده

پرورش دانش‌آموزان خود نظم ده، از مهم‌ترین اهداف عالی در تمامی نظام‌های آموزشی به شمار می‌رود که می‌تواند زمینه لازم برای تحول و توسعه پایدار در هر جامعه‌ای را فراهم آورد. پژوهش حاضر با هدف، تبیین فرآیند پرورش دانش‌آموزان خودنظم‌ده در مدارس ابتدایی با تأکید بر نقش معلمان، و استفاده از رویکرد کیفی و روش داده بنیاد (نظریه برخاسته از داده‌ها) انجام شده‌است. داده‌ها با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند با ۲۵ معلم ابتدایی و نامه‌نگاری گردآوری‌شد. انتخاب مصاحبه‌شوندگان بر پایه راهبرد نمونه‌گیری نظری انجام گردید. تحلیل داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی به انجام رسید که در نتیجه آن ۴۸ کُد اولیه، ۱۹ زیرمقوله و ۳ مقوله کلی استخراج شد. در نظریه میانی به‌دست آمده "توجه به رشد همه‌جانبه انسان" به عنوان مقوله محوری در نظر گرفته شد که با تمامی مقوله‌های به‌دست آمده در این پژوهش در ارتباط است. اگر معلمان به عنوان هدایت کنندگان فرآیند تعلیم و تربیت، رشد مستمر و همه‌جانبه دانش‌آموزان را مورد توجه قرار داده و با استفاده بهینه از شرایط زمینه‌ای همچون محتوای اصیل و رسانه‌های آموزشی نوین و بهره‌گیری هوشمندانه از امکانات، قوانین، زمان و... به اجرای راهبردهایی نظیر عاملیت‌بخشی، جهت‌دهی و بازخورددهی به دانش‌آموزان، عرصه‌سازی برای آن‌ها و الهام‌بخشی بپردازند، بستر لازم برای پرورش دانش‌آموزانی توانمند و خودنظم‌ده فراهم شده که با پیامدهای تحصیلی و تربیتی ارزشمندی همراه خواهد بود و آینده سازان شایسته‌ای برای جامعه تربیت خواهند شد.

کلیدواژه‌ها: خودنظم‌دهی، فرآیند پرورش، معلمان، نظریه داده بنیاد

۱ . کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲ . استادیار سنجش آموزش، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
keyvansalehi@ut.ac.ir

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

مقدمه

یکی از ارکان اساسی هر جامعه، نظام آموزش و پرورش آن است که از کارکردهای مهم آن، توانمند کردن یادگیرندگان به عنوان یک موجود انسانی و به کارگیری حداکثر استعدادها و تجهیز آن‌ها به ابزارها و روش‌هایی است که امکان توفیق و مهارت در رسیدن به کمال را برای آن‌ها فراهم سازد (شعبانی، ۱۳۹۳). در این فرآیند، یادگیرنده، در طول زمان برای نظم بخشیدن به حالت‌های گوناگون روانی و رفتاری و عملکردی اش همچون عملکرد تحصیلی، راهبردهای زیادی را مورد استفاده قرار دهد.

همانگونه که بعد جسمانی انسان برای حفظ سلامت مجهز به سیستم تعادل حیاتی است، بعد شناختی و روانی او نیز مکانیسم‌های دفاعی را برای حفظ تعادل داراست. اما در کنار آن، انسان‌ها به شکل آگاهانه‌ای راهبردهایی را برای تنظیم وضعیت روانی، رفتاری و عملکردی خود به کار می‌گیرند. این راهبردها اغلب از طریق تجربه‌ی شخصی، آموزشِ والدین و معلمان، مطالعه و آزمون و خطا کسب می‌شوند و موفقیت افراد را در زندگی تاحد زیادی تعیین می‌کنند. یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین راهبردهای اکتسابی در این زمینه، خودنظم‌دهی نام دارد (اعتماد اهری و تختی پور، ۱۳۹۴).

خودنظم‌دهی یکی از مفاهیم مورد تأکید در نظریه شناختی ـ اجتماعی است که نخستین مرتبه بندورا[1] آن را درسال ۱۹۷۷ مطرح کرد. تعریف بیان شده توسط بندورا به مفهومی عام اشاره دارد. این مفهوم به معنای تولید و کنترل افکار، احساسات و اعمال به منظور رسیدن به اهداف خاص و تعیین شده است که با پیامدهای گوناگونی همچون سلامت فیزیکی، موفقیت تحصیلی و اجتماعی مرتبط است (سیف، ۱۳۹۲؛ فونتین[2]، ۲۰۱۸). خودتنظیمی با تقویت فرد در مقابل وسوسه‌ی بازگشت به رفتارهای قدیمی‌تر، نقش مهمی را در تغییر رفتار بازی می‌کند و موجب نوعی مشارکت فعال فراشناختی، انگیزشی و رفتاری فراگیران در طول فرآیند یادگیری می‌شود (اِنکاوی[3] و همکاران، ۲۰۱۹؛ کوهی، کارشکی و مهرام، ۱۳۹۸).

1. Bandura
2. Fontaine
3. Enkavi

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

پس از آن در سال ۱۹۹۰، پنتریچ[1] مفهوم آن را جزئی‌تر کرد و به بعد خودنظم‌دهی در یادگیری پرداخت. خودنظم‌دهی یادگیری یا یادگیری خودتنظیمی یک مهارت پایه و اساسی برای موفقیت‌های تحصیلی است که به دانش‌آموزان کمک می‌کند رفتار و اعمال خود را متناسب با محیط یادگیری سازماندهی کنند. این مهارت موجب می‌شود که دانش‌آموزان از حواس پرتی دوری کنند و تمام تمرکز و توجه خود را بر اندیشه و اعمالشان گذارند و در مسیر رسیدن به موفقیت، شکست‌ها و سختی‌ها، آن‌ها را از ادامه‌ی راه باز نخواهد داشت (اشمیت، مککلاند ، تومینی و آکوک[2]، ۲۰۱۵). درواقع فراگیران خودنظم‌ده، از رفتار خود آگاهی دارند و از این آگاهی برای بهینه سازی فرآیند یادگیری خود استفاده می‌کنند (سیوفرت[3]، ۲۰۱۸).

سانتراک[4] نیز معتقد است در یادگیری خودنظم‌دهی، دیدگاه‌های شناختی رفتار بر وادار کردن دانش‌آموزان به زیرنظر گرفتن، مدیریت و تنظیم رفتار خود بیش از کنترل آن توسط عوامل بیرونی تأکید دارند. این دیدگاه‌ها سعی در تغییر برداشت‌های اشتباه دانش‌آموزان، تقویت مهارت‌های انطباق، افزایش خویشتن داری و تشویق آنان به داشتن تصویری سازنده از خویش دارند (سانتراک، ۲۰۰۸،ترجمه سعیدی، عراقچی و دانش‌فر، ۱۳۹۵). مسلم است که تقویت درونی حاصل از ارزشیابی شخصی یا خودارزیابی از تقویت بیرونی فراهم آمده توسط دیگران نیرومندتر است و از رفتار، بهتر و بیشتر نگه داری می‌کند (اُلسون و هرگنهان[5] ۲۰۰۹، ترجمه سیف، ۱۳۹۶).

با توجه به تعاریفی که برای مفهوم خودنظم‌دهی ارائه شد و با توجه به جایگاه ویژه‌ی آن در تعلیم وتربیت، معلمان به عنوان افرادی که بیشترین ارتباط مستقیم را در مدرسه با دانش‌آموزان دارند، به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل در فرآیند پرورش دانش‌آموزان خودنظم‌ده در مدارس هستند و این اهمیت در دوره ابتدایی که نخستین دوره در نظام تعلیم وتربیت است، دوچندان می‌شود. پژوهش‌های پیشین نشان داده اند، کودکانی که سطح خودنظم‌دهی پایینی دارند، سطوح بالاتری از مشکلات رفتاری را دارا هستند. برای مثال در پژوهشی این نتیجه حاصل شد که دانش‌آموزانی که خودنظم‌دهی پایینی دارند، نمی‌توانند از مهارت‌های زبانی در ارتباط با

1. Pantrig
2. Schmitt, McClelland, Tominey& Acock
3. Seufert
4. santrock
5. Olson & Hergenhahn

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

دیگران و یا در استفاده از آن برای گفتگوهای درونی با خودشان استفاده کنند و این موجب می‌شود که در تنظیم رفتارهایشان دچار مشکل شوند و رفتارهای نامطلوب اجتماعی از آن‌ها سر بزند (لونیگان[1] و همکاران، ۲۰۱۷). در سطحی وسیع تر و با بررسی افرادی که زمانی در نظام تعلیم و تربیت، به عنوان یادگیرنده حضور داشته اند، خودنظم‌دهی و خودکنترلی ضعیف را می‌توان در افرادی با مشکلات هیجانی، اعتیاد، جرم، خشونت و مواردی از این قبیل مشاهده کرد (بایومیستر، تیس و واهس[2]، ۲۰۱۷). بنابراین معلمان ابتدایی وظیفه‌ای خطیر و البته سنگین در این زمینه دارند و از راهبردهای مختلفی در این فرآیند استفاده می‌کنند. ضمن اینکه عوامل زمینه‌ای بسیاری نیز وجود دارند که به صورت مستقیم و غیرمستقیم در فرآیند پرورش دانش‌آموزان خودنظم‌ده مؤثرند.

با توجه به مطالبی که ذکر شد، می‌توان دریافت خودنظم‌دهی ابعاد گوناگونی دارد که ابتدا باید آن‌ها را شناخت و سپس راهبردهای متناسب با هریک را یافت و به کار برد. در پژوهش‌های روان‌شناختی، خودنظم‌دهی به ظرفیت و توانایی فرد برای غلبه کردن بر تکانه‌های غیرقابل پذیرش و نامطلوب و بازداری آن‌ها و درمقابل، نظم دادن به تفکرات، رفتارها و هیجان‌های خود اشاره دارد. یکی از مداخلات مؤثر بر خاشگری، آموزش خودنظم بخشی است که در آن می‌توان با تکنیک‌هایی به کودکان آموزش داد تا یادبگیرند که چگونه نقش اول را در مهار رفتار خود و جهت دادن به آن ایفا کنند (حسین خانزاده، ۱۳۹۶). مازوتا[3] (۲۰۰۴) معتقد است دانش‌آموزانی که از مهارت خودنظم‌دهی خشم پایین‌تری برخوردارند، معمولا درگیر رفتارهای تکانشی و ضداجتماعی می‌شوند و اغلب از مدرسه فرار می‌کنند. در مقابل، دانش‌آموزانی که مهارت خودنظم‌دهی خشم در آن‌ها بالا است، در مواجهه با موقعیت‌های گوناگون، درون ریزی و برون ریزی خشمشان را می‌توانند مدیریت نمایند و آن را به صورتی درست و جامعه پسند ابراز کنند (به نقل از جعفری، صمدی جواهری و حسامپور، ۱۳۹۶).

بنابراین استفاده از راهبردهای خودنظم‌دهی هیجان و خشم در کیفیت برقراری روابط اجتماعی بین انسان‌ها مؤثر است. از طرفی پرواضح است که مهارت خودنظم‌دهی، هردو بعد جسمانی و روانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و چه بسا اگر دانش‌آموزان از بدو ورودشان به فضای تعلیم وتربیت این مهارت‌ها را فراگیرند، انسان‌هایی توانمند

1. Lonigan
2. Baumeister, Tice & Vohs
3. Mazota

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

و سالم، هم از نظر قوای جسمانی و هم از نظر قوای روانی در آینده خواهند بود. الگوهای نظری اخیر، خودنظم‌دهی موفق هیجان را با پیامدهایی همچون سلامت عملکرد شغلی و تحصیلی مرتبط می‌دانند. جوانب شناختی هیجان مانند ابعاد دیگر رفتاری و اجتماعی با هدف مدیریت هیجان‌ها جهت افزایش سازگاری به کار می‌روند و بخشی از راهبردهای تطابقی هستند که با درمان مشکلات هیجانی و جسمانی و تجربه مرتبطند (فصیحی هرند و عباس‌نژاد، ۱۳۹۶).

بنابراین آموزش و کاربرد برنامه‌های خودنظم‌دهی به صورت معنادار و شفافی با کاهش انگیزه برای رفتارهای پرخاشگرانه و تکانشی (کوهن، آهلس، آلدریچ، ویلگوس و مزولوس[۱]،۲۰۱۷) و افزایش انگیزه برای کنترل رفتار (پرینسن، اِورس، وایجن گاردس، وان ولیت و دِریدر[۲]، ۲۰۱۸)، بهبود مؤلفه‌های روانی (ورزلتی، زامونر، گالی و آگنولی[۳]، ۲۰۱۶)، بهبود روابط اجتماعی و سازگاری موفق دانش‌آموزان در مدرسه (لی و لاو[۴]، ۲۰۱۸)، بهبود کیفیت فعالیت‌های بدنی و ورزشی (مک‌کرمیک، میجن، آنستیس و جونز[۵]، ۲۰۱۸)، پرورش خودکارآمدی و افزایش استفاده از راهبردهای فراشناختی (پانادرو، جانسون و باتلا[۶] ، ۲۰۱۷)، پیشرفت در یادگیری دروس مختلف همچون ریاضیات(لاورنس و سیلیلا[۷]، ۲۰۱۹)، زبان (اردقان[۸]، ۲۰۱۸)، تاریخ (سومانتری و راچماتولا[۹]، ۲۰۱۶)، سواد خواندن و نوشتن (اسکیب، مونتروی، بولز و موریسن[۱۰]، ۲۰۱۹) و به‌طور کلی افزایش اشتیاق و سرزندگی تحصیلی، پیشرفت و موفقیت تحصیلی (اِدسا، اشروئدرز، وینرت و آرتلت[۱۱]، ۲۰۱۷؛ مرادی، بابایی و کرمی، ۱۳۹۹؛ کابینی مقدم، انتصار فومنی، حجاری و اسدزاده، ۱۳۹۸)، در ارتباط است.

به عقیده‌ی زیمرمن[۱۲] (۲۰۱۴)، دانش‌آموزان خودنظم‌جو در فرآیند یادگیری مشارکتی فعال دارند و از این طریق می‌توانند به اهداف یادگیری خود دست یابند (به نقل از خانزاده و همکاران، ۱۳۹۶). آن‌ها به خوبی می‌توانند

1 .Kuhn, Ahles, Aldrich, Wielgus, & Mezulis
2. Prinsen, Evers, Wijngaards, van Vliet & de Ridder
3. Verzeletti, Zammuner, Galli & Agnoli
4. Li & Lau
5. McCormick, Meijen, Anstiss & Jones
6. Panadero, Jonsson & Botella
7. Lawrence & Saileella
8. Erdogan
9. Sumantri & Rachmadtullah
10. Skibbe, Montroy, Bowles& Morrison
11. Edossa, Schroeders, Weinert & Artelt
12. Zimmermann

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

محیط مطالعه ی خود و زمان مطالعه را مدیریت و تنظیم کنند تا شرایطی مطلوب را برای یادگیریشان فراهم سازند (سِن و ییلماز[1]، ۲۰۱۶). آن‌ها از راهبردهای نظارتی مناسب استفاده می‌کنند و در زمانی که لازم باشد، راهبردهای یادگیری را متناسب با ملزومات خود، ویژگی تکلیف و شرایط محیط تغییر می‌دهند. این فراگیران قادرند در مدتی که به انجام تکلیف مشغول هستند، به گونه‌ای موفقیت آمیز به تثبیت و افزایش سطح انگیزش خود بپردازند (رازقی و صابری، ۱۳۹۶). باتوجه به تمامی پیامدهای حاصل از خودنظم‌دهی می‌توان نتیجه گرفت که خودنظم‌دهی و خودکارآمدی بهترین پیش بینی کننده‌ها برای عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان و کاهش سطح اهمالکاری در آن‌ها هستند (کهرازئی،۱۳۹۶؛ صمدی، موسوی، اکبری و رضایی، ۱۳۹۹). در پژوهش‌های مختلف به فعالیت‌های گوناگونی اشاره شده است که معلمان با انجام آن‌ها می‌توانند به رشد و گسترش خودنظم‌دهی در دانش‌آموزان کمک کنند. ایجاد کلاس‌های آموزشی با شرایط مناسب برای یادگیری، طراحی تکالیف مناسب و به کارگیری روشهای آموزشی جدید و مؤثر (یردلن و سانگر[2]، ۲۰۱۹)، در پیش گرفتن سبک تعاملی در کلاس درس (هادی، ۱۳۹۵)، برقراری رابطه ای نزدیک و تعامل جویانه بین معلم و شاگرد (کادیما، ورچورن، لیل و گیودس[3]، ۲۰۱۶) ارائه بازخوردهای استاندارد، برانگیزاننده و تأثیرگذار از سوی معلم (وان لون و رویبرس[4]، ۲۰۱۷)، آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی به دانش‌آموزان (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۵)، اهمیت دادن به درس پرورشی و به کارگیری چندرسانه ای‌ها در آموزش مفاهیم آن (سنجابی و موسوی، ۱۳۹۵)، استفاده از برنامه‌های مداخله ای همچون آموزش فعال، واگذاری مسئولیت‌ها و طراحی اهداف یادگیری توسط یادگیرنده (خانزاده و همکاران، ۱۳۹۶) از جمله‌ی این فعالیت‌ها هستند. علاوه بر فعالیت‌هایی که پیشنهاد شد و در پژوهش‌ها نیز به تأیید رسیده است، معلم می‌تواند خودنظم‌دهی را به کمک برنامه‌ی تغییر شناختی ـ رفتاری به دانش‌آموزان آموزش دهد. این برنامه که به معنای تغییر دادن رفتار آشکار فرد به وسیله ی دستکاری فرآیندهای فکری نهان او تعریف می‌شود، شامل مراحل ۱- تعیین هدف و مقاصد توسط یادگیرنده ۲- نظارت شخصی توسط یادگیری در فرآیند پیشرفت کار ۳- خودسنجی و وارسی چگونگی پیشرفت یادگیری به وسیله ی یادگیرنده ۴- تقویت

1. Sen & Yilmaz
2. Yerdelen & Sungur
3. Cadima, Verschueren, Leal & Guedes
4. van Loon & Roebers

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

شخصی پس از خودسنجی (سیف، ۱۳۹۲)، است. به نظر می‌رسد معلمان با در پیش گرفتن این سبک در آموزش خود، بتوانند دانش‌آموز را به سمت پرورش مهارت خودنظم‌دهی سوق دهند.

با توجه به تمامی‌آنچه که ذکر شد، خودنظم‌دهی به عنوان یک سازه‌ی بسیار مهم در روان‌شناسی از اهمیت بالایی برخوردار است و از آنجایی که قابل آموزش دادن و پرورش دادن است، باید در مدارس به ویژه در مدارس ابتدایی مورد توجه قرار گرفته و سازوکارها و رویه‌های لازم برای پرورش و ارتقای آن عملیاتی گردد. وضعیت کنونی نظام تعلیم و تربیت و محدودیت‌هایی که در آن باعث شده معلمان کمتر بتوانند به پرورش خودنظم‌دهی در دانش‌آموزان بپردازند از یک سو و از سویی دیگر نیاز روافزون جوامع امروزی به افراد خودنظم‌ده به دلیل پیچیدگی شرایط و گستردگی وظایف افراد، موجب شد تا پژوهشگران به مطالعه عمیق در این موضوع اقدام کنند. با بررسی تمامی پژوهش‌هایی که تاکنون در این باره انجام شده است، می‌توان نتیجه گرفت که بیشتر آن‌ها کمّی و مبتنی بر پاردایم اثبات‌گرایی به انجام رسیده و غالباً به بررسی روابط خودنظم‌دهی با متغیرهای دیگر یا تأثیر برخی از مؤلفه‌های خودنظم‌دهی پرداخته‌اند. در این میان، پژوهشی کیفی که به صورت عمیق و ریشه‌ای بتواند تمامی ابعاد خودنظم‌دهی را وارسی کرده، وضعیت موجود را مشخص کند و سپس ضمن تدوین نظریه‌ای میانی، راهکارهای متناسب با شرایط روز را ارائه دهد، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی که رویکرد اصلی در این پژوهش است، بر این باور استوار است که باتوجه به سیال بودن واقعیت‌های اجتماعی، خلاق بودن ماهیت انسان و ساختارمند شدن و معنادار شدن واقعیت‌ها در فرایند تعمق، درک و تفسیر انسان‌ها، مسیر و روش خاصی را نمی‌توان برای درک واقعیات و یا ایجاد تغییر در آن‌ها درنظرگرفت (دنزین و لینکلن، ۲۰۱۱؛ نیومن، ۲۰۰۷؛ گوبا و لینکلن، ۲۰۰۵؛ گلیزر،۲۰۰۱، به نقل از صالحی و همکاران، ۱۳۹۴)[1]. نظریه تفسیری به درک و فهم عمیق از پدیدهٔ موردنظر دعوت می‌کند (شارماز[2]، ۲۰۰۶: ۱۲۶، به نقل از غفوری و صالحی، ۱۳۹۵). از این رو این پژوهش در صدد است که با رویکردی کیفی و با استفاده از روش نظریه داده بنیاد، فرآیند پرورش دانش‌آموزان خودنظم در مدارس ابتدایی را با تأکید بر نقش معلمان، شناسایی و بازنمایی کند. بدین منظور پرسش‌های زیر برای این پژوهش مطرح شده است:

1.Denzin & Lincoln; Neuman; Guba & Lincoln; Glaser
2. Charmaz

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

۱- در فرآیند پرورش دانش‌آموزان خودنظم‌ده در مدارس ابتدایی، چه علل و عواملی نقش دارد؟

۲- چه شرایط واسطه‌ای و مداخله‌گری در فرآیند پرورش دانش‌آموزان خود نظم ده در مدارس ابتدایی نقش دارد؟

۳- در فرآیند پرورش دانش‌آموزان خودنظم‌ده در مدارس ابتدایی، چه راهبردهایی به کار گرفته می‌شود؟

۴- پیامدهای شکل‌گیری و تقویت خودنظم‌دهی در دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی چیست؟

روش

در این مطالعه، که با هدف تبیین فرآیند پرورش دانش‌آموزان خودنظم در مدارس ابتدایی با تأکید بر نقش معلمان، انجام شد، از رویکرد کیفی، روش داده‌بنیاد و طرح نظام‌مند (سیستماتیک) استفاده شد. روش داده بنیاد برای تبیین یا مطالعه عمیق و جامع یک فرآیند استفاده می‌شود (بازرگان، ۱۳۹۷). از طرفی در طرح نظام‌مند، به گونه‌ای استقرایی یک سلسله رویه‌های منظم شامل کدگذاری باز، محوری و گزینشی، به کار گرفته می‌شود تا شرایط علّی و واسطه‌ای، مقوله اصلی (هسته‌ای)، راهبردها و پیامدهای حاصل در فرآیند موردنظر بدست آید (صیری ولیک‌بنی، قنبری و سرچهانی، ۱۳۹۵).

در تبیین فرآیند پرورش دانش‌آموزان خودنظم‌ده در مدارس ابتدایی، ابتدا باید از کوچکترین واحد نظام آموزش و پرورش یعنی کلاس درس، بررسی را آغاز کرد تا بتوان پایه‌های اصلی فرآیند را کشف کرد. معلم نیز در کلاس درس اصلی‌ترین و مؤثرترین نقش را در این فرآیند آغاز می‌کند و در آن به پیش می‌رود. به دلیل مشکلات اجرایی حضور در مدارسی که معلمان مرد داشتند و همچنین فراهم بودن شرایط مناسب‌تر برای پژوهشگر در جهت برقراری ارتباط با معلمان خانم، تصمیم بر آن شد که نمونه‌گیری از بین معلمان خانم صورت گیرد. لازم به ذکر است باتوجه به اینکه به دلیل کمبود نیروهای آموزشی در آموزش و پروش، چندسالیست بانوان معلم نیز در مدارس ابتدایی پسرانه مشغول به خدمت هستند، بنابراین به منظور دقت و اعتبار بیشتر یافته‌ها و قابلیت انتقال‌پذیری بیشتر آن‌ها، معلمان خانم صرفاً از مدارس دخترانه نبودند، بلکه از مدارس پسرانه نیز نمونه‌گیری به عمل آمد. بنابراین در این پژوهش، میدان تحقیق، مدارس ابتدایی شهرستان طبس بود و نظرات تمامی معلمان خانم در حال خدمت در شهرستان طبس که محل زندگی و خدمت نویسنده اول است، مورد بررسی دقیق قرار گرفت.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

به منظور انتخاب صحیح و مطلوب شرکت‌کنندگان، از راهبرد نمونه گیری نظری استفاده شد. در این راهبرد، پژوهشگر از طیف افرادی که در میدان تحقیق حضور دارند، کسانی را انتخاب می‌کند که بتوانند در فرآیند جمع‌آوری داده‌ها، خزانه‌ی داده‌های موردنیاز را غنی سازند تا امکان تدوین نظریه فراهم آید (غفوری و صالحی، ۱۳۹۵). راهبرد نمونه‌گیری نظری نیز از نوع هدفمند انتخاب شد. در نمونه‌گیری هدفمند، داده‌ها به صورت عمدی از افراد خاصی گردآوری می‌شوند، به‌طوری‌که نظرات و تجربیات این افراد باعث تسهیل تدوین نظریه مورد نظر می‌گردد (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۴). بنابراین معلمانی انتخاب شدند که از لحاظ سن و سابقه شغلی در طیفی متنوع قرار داشتند؛ به‌صورتی که اکثر آنان از گروه سرگروهان و رابطان آموزشی مدارس بودند که یا به دلیل دارا بودن دانش و اطلاعات به روز و کاربردی و یا به دلیل تجربه بیشتر نسبت به سایرین، این وظایف به آن‌ها محول شده بود. این افراد به دلیل ارتباط وسیعی که با معلمان سطح شهر دارند و ارزیابی مستمری که از آن‌ها به عمل می آورند، منابع پربارتری از تجربه و دانش موردنیاز برای این پژوهش بودند. نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. منظور از اشباع نظری یعنی مرحله‌ای که در آن، ادامه مصاحبه‌ها، داده‌های جدید در ارتباط با مقوله‌ها و نظریه موردنظر به دست نمی‌دهد و روابط بین مقوله‌ها برقرار و تأیید شده است (هادوی نژاد و همکاران، ۱۳۸۹).

در این پژوهش با ۲۵ نفر از افراد مصاحبه شد. مصاحبه شوندگان در طیف مختلفی از گروه‌های سنی شامل جوان و میانسال و از لحاظ تحصیلات در دو گروه لیسانس و فوق لیسانس و از نظر سابقه ی خدمت در شغل معلمی نیز، در طیفی از ۲سال تا ۲۵ سال قرار داشتند. تمامی‌آموزگاران شرکت کننده در این پژوهش از نیروهای رسمی‌آموزش و پرورش بودند که برخی از آن‌ها از مراکز تربیت معلم و برخی از طریق نهضت سوادآموزی وارد این شغل شده بودند.

مصاحبه‌ها به صورت نیمه ساختارمند و عمیق انجام شد. زمان هر مصاحبه بین ۶۰ الی ۱۲۰ دقیقه بود. مصاحبه‌ها نیز ضبط می‌شد تا با مرور چندباره ی آن‌ها، تحلیل و بررسی دقیق‌تری بر روی داده‌ها صورت گیرد. لازم به ذکر است که قبل از انجام مصاحبه‌ها جهت رعایت اخلاق پژوهشی، برای ضبط تمامی‌گفت و گوها، مشارکت کنندگان مطلع و از آن‌ها اجازه گرفته می‌شد. همچنین به آن‌ها اطمینان داده می‌شد که تمامی‌گفت و گوها به صورت کاملا محرمانه نزد پژوهشگر باقی خواهد ماند و استفاده از آن‌ها نیز بدون ذکر نام و نشان در

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

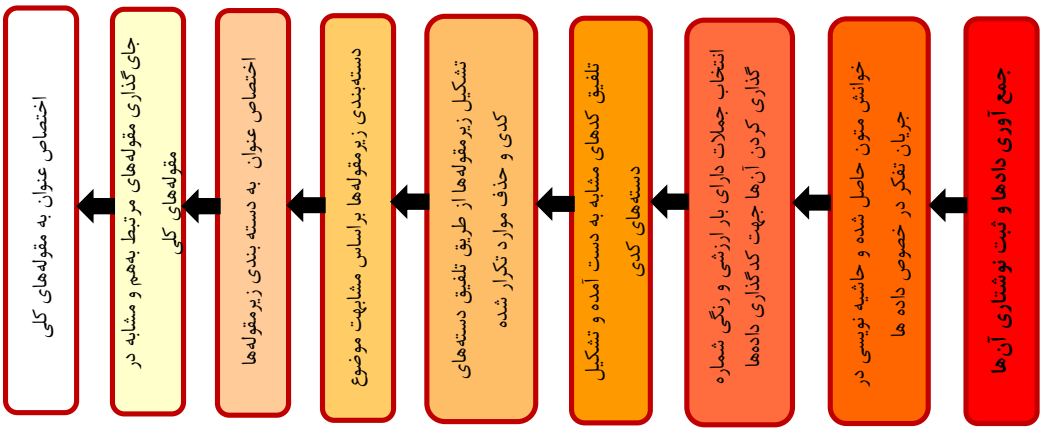
پژوهش صورت خواهد گرفت. به منظور افزایش انتقال پذیری داده‌ها و به عنوان شاهدی برای روایی و پایایی، روش چندسویه سازی مورد استفاده قرار می‌گیرد (گوین[1]، ۲۰۰۸ به نقل از صالحی، بازرگان، صادقی و شکوهی‌یکتا، ۱۳۹۴). در این پژوهش به منظور چندسویه سازی محیطی، مصاحبه‌ها در مکان‌های مختلف و عمدتا به انتخاب خود مصاحبه شوندگان انجام شد. برای افزایش صحت و انتقال پذیری یافته‌ها نیز از راهبرد چندسویه سازی داده‌ها استفاده شد که بدین منظور در کنار استفاده از داده‌های روایتی حاصل از مصاحبه، از فن نامه نگاری نیز جهت جمع آوری داده‌ها استفاده شد. به این صورت که برای معلمانی که امکان مصاحبه ی حضوری به دلایل مختلف وجود نداشت، نامه‌هایی حاوی سؤالات مربوط به پژوهش تدوین و به آن‌ها داده شد و تمامی‌توضیحات لازم درمورد پژوهش و ملاحظات اخلاقی نیز قبل از دادن نامه‌ها به مشارکت کنندگان اعلام و در نهایت ۱۰ نامه دریافت شد.

به منظور تحلیل داده‌ها در طرح سیستماتیک نظریه‌ی داده بنیاد، از روش کدگذاری باز، محوری و گزینشی استفاده می‌شود(بازرگان، ۱۳۹۷). در مرحله ی اول یعنی کدگذاری باز، متن مصاحبه‌ها و نامه‌های بدست آمده، چند مرتبه به دقت مطالعه و مرور شد، مفاهیم شناسایی شدند و سپس داده‌ها با استفاده از کدهای زنده علامت گذاری شدند. در مرحله ی بعد یعنی کدگذاری محوری یک پدیده یا مقوله ی اصلی در مرکز فرآیند مشخص شد و سایر مقوله‌ها به آن مرتبط شد. این مقوله‌ها شامل شرایط علّی، راهبردها، شرایط زمینه‌ای، شرایط واسطه‌ای و پیامدهای حاصل از راهبردها هستند. در انتهای این مرحله، اطلاعات حاصل به صورت تجسمی و در قالب پارادایم کدگذاری محوری به تصویر کشیده شد. در مرحله ی آخر یعنی کدگذاری گزینشی، مقوله‌های به دست آمده در مرحله ی قبل با یکدیگر ترکیب شدند و روابط بین آن‌ها بدست آمد. یادداشت‌های فنی پژوهشگر نیز در تمامی مراحلی که ذکر شد مورد استفاده قرار گرفت و نتیجه‌ی این فرآیند به تکوین نظریه‌ی میانی پژوهش انجامید. نظریه به صورت حکایت‌گونه و با برقراری روابط کامل بین مقوله‌ها تدوین یافت. لازم به ذکر است که در تحلیل مقوله‌ها اغلب از نقل قول مستقیم و ضمیر اول شخص مفرد استقاده شد.

استفاده از ضمیر اول شخص مفرد در نقل قول‌ها به اصطلاح، صدای فعال نام دارد که موجب باورپذیری و ارتباط گیری بهتر در مخاطب می‌شود (مکیلانی، درانی و صالحی، ۱۳۹۶).

1. Gavin

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]



شکل ۱ .فرآیند تحلیل داده‌ها

به منظور بررسی اعتبار و پایایی داده‌ها در پژوهش‌های کیفی، طبق نظر کرسول[1]، پژوهشگر باید حداقل از ۲ راهبرد استفاده کند که این دو راهبرد شامل تطبیق اعضا[2] و کثرت‌گرایی[3] است. منظور از تطبیق اعضا این است که مشارکت‌کنندگان نظر خود را درباره گزارش پژوهش و فرآیند داده‌ها عرضه می‌کنند و درصورت لزوم با استفاده از نظرات آن‌ها، نتایج بازبینی می‌شوند. منظور از کثرت‌گرایی نیز تنوع سطوح مصاحبه شوندگان و رویدادهای بررسی شده است که به داده‌ها، اعتبار می‌بخشد (اصلی‌پور، ۱۳۹۶). بنابراین در این پژوهش نیز به منظور قابل قبول بودن و اطمینان از درستی یافته‌ها، رونوشتی از مصاحبه‌ها و گزارش پژوهش برای شرکت کنندگان ارسال شد تا نظرات خود را در این باب ذکر کنند و در خصوص کثرت‌گرایی نیز همانطور که قبلا در توضیحات مربوط به نمونه گیری ذکر شد، افراد شرکت کننده در سطوح مختلف از لحاظ سنی، تحصیلی و سابقه ی خدمت قرار داشتند. همچنین گزارش نهایی به وسیله ی ۵ نفر از خبرگان غیرشرکت کننده در پژوهش مورد بررسی قرار گرفت و پس از دریافت نظرات اصلاحی آن‌ها ویرایش لازم انجام شد. به منظور تأییدپذیری تفسیرهای حاصل، از دو منبع مختلف مصاحبه و نامه برای جمع آوری داده‌ها استفاده شد و تطابق همگونی داده‌ها نمایان گردید. به منظور ثبات در اعتماد پذیری یافته‌ها، متون مربوط به داده‌ها چندین مرتبه توسط پژوهشگران این تحقیق کدگذاری شدند تا صحت دسته بندی مقوله‌ها به تایید نهایی برسد.

1. creswell
2. Matching members
3. pluralistic

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

جدول ۱. ویژگی‌های مشارکت کنندگان

ویژگی فردی معلمان	سطح‌ها	مصاحبه‌ها	نامه‌ها
گروه سنی	۲۴-۳۰	۸	۳
	۳۱-۴۰	۱۰	۲
	۴۱-۴۵	۷	۵
سابقه ی خدمت	۲ تا ۵سال	۴	۲
	۶ تا ۱۰سال	۴	-
	۱۱تا ۱۵ سال	۵	۳
	۱۶ تا ۲۰ سال	۵	۲
	۲۱تا ۲۵ سال	۷	۳
تحصیلات	لیسانس	۱۴	۵
	فوق لیسانس	۱۱	۵
نوع مدرسه	دخترانه	۱۷	۶
	پسرانه	۸	۴

یافته‌ها

یافته‌های حاصل از این پژوهش در دو بخش ارائه شده اند. در بخش اول، نتایج حاصل از کدگذاری محوری که شامل شش دسته مقوله محوری، شرایط علّی، شرایط زمینه‌ای، شرایط واسطه‌ای، راهبردها و پیامدها هستند، به‌صورت تحلیل کامل مقوله‌ها همراه با ذکر مصادیقی از سخنان شرکت‌کنندگان آورده شده اند. در بخش دوم یافته‌ها که مربوط به کدگذاری گزینشی است، به وسیله الگوی تجسمی به‌دست آمده، روابط بین مقوله‌ها و بخش‌های مختلف، بررسی و نظریه میانی را تشکیل دادیم.

جدول ۲. نتایج حاصل از کدگذاری باز: مقوله‌های کلی، مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها همراه مصادیقی برای برخی از آنان

مقوله‌های کلی	مقوله‌ها	زیرمقوله‌ها همراه با برخی مصادیق
زیرساخت‌های برانگیزاننده، برنامه‌ریزی شده و تأثیرگذار	۱. توجه به رشد همه جانبه‌ی انسان	توجه به خدا و غافل نشدن از یاد او تعهد به مسئولیت انسانی در نقش معلمی توجه به حوزه روان شناسی در آموزش و پرورش دانش آموزان توجه به حوزه جامعه شناسی در آموزش و پرورش دانش آموزان
	۲. محرک‌های درونی	ارزش‌ها و باورهای معلم علایق و انگیزه‌های معلم ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری معلم (نقش الگویی)
	۳. محرک‌های بیرونی	نقص‌های مشاهده شده و مرتبط با مؤلفه‌های خودنظم‌دهی در دانش‌آموزان امروزی نیاز جوامع گوناگون به افراد خودنظم‌ده
	۴. برنامه ریزی	جذب،تربیت و آموزش ضمن خدمت معلمان تناسب تعداد مدارس، دانش‌آموزان و معلمان با یکدیگر
	۵. محتوا	آموزشی: کتب درسی، آموزه‌های کتبی معلم (کاربرگ‌ها، آزمون‌ها، تکالیف و...)

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

		پرورشی: مجلات رشد، کتابخانه ی مدرسه یا کلاس، محتوای آموزشی مسابقات فرهنگی (در قالب کتاب و بروشور)
روش‌ها و اقدامات	۶. زمان	برای آموزش و پرورش دانش و مهارت‌ها برای تکرار، پیگیری و نظارت
	۷. امکانات	خُرد: امکانات‌آموزشی از قبیل تخته، وسایل‌آزمایشگاهی، پروژکتور و رسانه‌های آموزشی کلان: مدرسه وکلاس (که همگی منطبق با ضوابط ساخته و تجهیز شوند)
	۸. قوانین	جامع (هنجارهای رسمی و مستند) درون مدرسه‌ای (هنجارهای غیر رسمی و توافقی)
	۹. عوامل شخصی معلم	مشخصات: سن، سابقه ی کار، مدرک تحصیلی، میزان مطالعه مسائل خصوصی: فشار روانی ناشی از مشکلات زندگی شخصی و خانوادگی
	۱۰. عوامل سازمانی	جو داخلی مدرسه: حمایت مدیراز معلم، همکاری با معلم، اهمیت دادن مدیر به پرورش دانش‌آموزان خودنظم‌ده، آزادی عمل دادن به معلم، تشویق معلم تسهیلات ویژه معلمان: میزان درآمد، مجوزهای مربوط به ادامه ی تحصیل، شرایط انتقالی دادن به معلم
	۱۱. نهاد خانواده	نقش‌تربیتی: آموزش مهارت‌های‌تربیتی از بدو تولد، صحیح عمل کردن در نقش الگویی خود برای فرزندان نقش نظارتی: تکرار، پیگیری، ارتباط با معلم و هماهنگی با او
	۱۲. ارتباط با همسالان	داخل مدرسه: با همکلاسی‌ها خارج از مدرسه: با سایر افراد همسن و سال و همکلاسی‌ها
	۱۳. عاملیت بخشی	مسئولیت دادن به دانش آموز واگذاری انتخاب اهداف یادگیری به دانش آموز دریافت گزارش نظارت شخصی تکالیف مهارت محور
	۱۴. جهت دهی	آموزش برنامه ریزی آموزش خودسنجی آموزش تقویت شخصی آموزش فنون کنترل رفتار و غلبه بر خشم ارتباط با والدین و آموزش به آن‌ها ارجاع به مشاور و یا کمک گرفتن از مشاور
	۱۵. بازخورددهی	تشویق به موقع و به جا و مبتنی بر روش‌های علمی محروم سازی، جریمه و جبران کردن
	۱۶. عرصه سازی	روش تدریس فعال و مشارکتی قانون‌گذاری همه جانبه و قابل انعطاف
	۱۷. الهام بخشی	برقراری ارتباط کلامی، صمیمانه و محترمانه با دانش‌آموز حمایت متعادل و انگیزه بخش
نتایج	۱۸. پیامدهای‌تربیتی خودنظم‌دهی	خودکنترلی: تقویت درونی، تعاملات اجتماعی، صبوری خودکارآمدی: مسئولیت پذیری، نظم خودباوری: عزت نفس؛ خودسنجی: تفکر انتقادی
	۱۹. پیامدهای تحصیلی خودنظم‌دهی	پیشرفت تحصیلی: به کارگیری توانایی‌های شناختی و فراشناختی

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

بخش اول: نتایج کدگذاری محوری و تحلیل مقوله‌ها

۱- پدیده ی محوری در فرآیند پرورش دانش‌آموزان خودنظم‌ده در مدارس ابتدایی

توجه به رشد همه جانبه‌ی شخصیت انسان

توجه به خدا و غافل نشدن از یاد او، تعهد به مسئولیت انسانی معلمان در نقش معلمی

در فرآیند اجرای مصاحبه با مشارکت کنندگان و دریافت نامه‌های آن‌ها، از بررسی ادراک و تجارب آن‌ها این نتیجه حاصل شد که "توجه به رشد همه جانبه ی شخصیت انسان به عنوان اشرف مخلوقات" به عنوان مقوله ی محوری و اصلی، با تمام مقوله‌های حاصل شده ی دیگر، در ارتباط است.

انسان به عنوان برترین مخلوق خداوند، با دارا بودن دو قوه ی عقل و اختیار، وظایف گوناگونی در جهان هستی دارد که شاید بتوان گفت اصلی‌ترین آن‌ها، رشد همه جانبه ی توانایی‌ها و بالفعل کردن توانایی‌های بالقوه‌ای که خداوند در وجود ما قرار داده برای نیل به والاترین مقاصد و اهداف مادی و معنوی در فلسفه ی خلقت انسان است. از این رو همواره فطرت بشر او را به سمت تلاش برای بهتر شدن در تمام زمینه‌های زندگی مادی و معنوی سوق می‌دهد. پرواضح است که در چنین شرایطی، نخست، انسان باید تمام قوای جسمانی و روانی خود را به کارگیرد تا مسیر زندگی وسرنوشت خویش را تحت کنترل خود قرار دهد و سپس برای آبادانی هرچه بیشتر آن بکوشد. انسانی که خود و توانایی‌های خود را نشناسد، مسلما در این مسیر موفق نخواهد بود. آدمی‌باید به این اندیشه برسد که هیچکس جز خود او مسئول سعادت یا شقاوتش نخواهد بود و این تفکرات، اعمال و رفتارهای اوست که زندگی او را می‌سازد و بازتاب‌هایی را برای او به ارمغان می‌آورد. چه بسا که خداوند نیز در آیات مختلفی از مصحف شریف قرآن بارها فرموده است که " ما هرکس را مسئول سرنوشت خویش قرار دادیم".

نه تنها خود انسان، بلکه تمامی مربیان انسان در طول عمر او نیز باید بخش عمده‌ای از تلاش خود را برای پرورش چنین تفکری و بالتبع توانایی‌ها و مهارت‌های لازم برای آن، صرف کنند. می‌توان گفت بعد از پدر و مادر که اولین مربیان هر فرد هستند، معلمان مقطع ابتدایی نخستین مربیانی هستند که هر فرد بعد از ورود به مدرسه با آن‌ها مواجه می‌شود. آنچه که در علم روان شناسی معلمان، پایه‌های زیر بنایی فسلفی از موارد مذکور را داراست، به مفهوم خودنظم‌دهی مربوط می‌شود. این مفهوم تمامی‌ابعاد وجودی انسان اعم از هدایت و سنجش اندیشه‌ها، اعمال و رفتار انسان را در بخش‌های مختلف زندگی فردی، اجتماعی، تحصیلی، شغلی و... شامل

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

می‌شود. بنابراین در فرآیند پرورش دانش‌آموزان خودنظم‌ده، تمامی مولفه‌ها و مقوله‌های آن، با پدیده ی " توجه به رشد همه جانبه ی شخصیت انسان به عنوان اشرف مخلوقات" به عنوان مقوله ی اصلی در این فرآیند رابطه دارند. اگر متولیان و مجریان نظام آموزش و پرورش خصوصا معلمان به عنوان تأثیرگذارترین افراد در این فرآیند، "توجه به یاد خدا" و "تعهد به مسئولیت انسانی در نقش معلمی" را همواره مدنظر قرار دهند، تمام تلاش و هم و غم خود را برای "توجه به رشد همه جانبه ی شخصیت دانش‌آموزان" خواهند گذاشت و دانش‌آموزانی خودنظم‌ده را پرورش خواهند داد.

در ادامه دیدگاه‌های چند تن از مصاحبه شوندگان در این باره به صورت روایتی آورده شده است که به طور مستقیم و غیرمستقیم به این مقوله اشاره کرده‌اند:

"معلمی شغل سنگینیه؛ چون با انسان سروکار داره و این مسئولیت و تعهد بزرگی به همراه داره. هرحرکت ما میتونه تأثیر مثبت یا منفی روی دانش‌آموز داشته باشه. برای من بعد پرورشی در شغلم خیلی با اهمیته. همیشه تمام تلاشم اینه که سعی کنم به همه ی جنبه‌های شخصیتی دانش‌آموزام توجه کنم" (مصاحبه شونده ۱).

"بعد دینی در زندگی من خیلی اهمیت داره، این روی کارمم تأثیر گذاشته و من همیشه سعی می‌کنم در کلاس درس نگاه و اندیشه ی دانش‌آموزانم را به فلسفه ی وجود بشر از دیدگاه قرآن و باتوجه به سخنان ائمه جلب کنم. اینکه همیشه سعی می‌کنم به یاد خدا باشم حتی در لحظات تدریسم، به من خیلی کمک کرده که حواسم به رفتارم و گفتارم باشه" (مصاحبه شونده۶).

"من هروقت میخوام وارد کلاس بشم، قبلش به خدا می‌گم: خدایا خودت کمک کن که حرفایی که از دهانم بیرون میاد درست‌ترین کلام من در ارتباط با هر دانش‌آموزی باشه و من را متوجه کن که دانش‌آموزانم را در مسیر انسانیت هدایت کنم" (مصاحبه شونده ۳).

"به نظر من قرار نیست ما معلمان در مدرسه فقط یکسری مطالب تئوری و محتوای کتاب رو وارد ذهن بچه‌ها کنیم و تمام. اگر بخواهیم عمیق تر به شغل معلمی نگاه کنیم، معلم قبل از هرچیز باید یک روان شناس خوب باشه" (مصاحبه شونده۱۵)

" من خیلی سعی می کنم آرامش فکری، اعتماد به نفس، انگیزه و مواردی از این دست رو در بچه‌ها تقویت کنم و ارتباط مؤثر و صمیمانه با اونا برقرار کنم تا فرآیند یاددهی و یادگیری در کلاسم پربارتر بشه" (مصاحبه شونده۲۰).

"یکی از اساتیدم در زمان دانشگاه حرفی به من زد که برای همیشه در ذهنم ثبت شد و هرسال که اول مهر میشه مدام اینو به خودم یادآوری می کنم و تمام سعیمو می کنم در طول سال تحصیلی بهش توجه داشته باشم. ایشون گفت که یادت باشه که مدرسه نمونه ی کوچکی از

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

جامعه هست. مبادا بری سرکلاس و ازون معلمایی بشی که همش به بچه‌ها میگن بشین، حرف نزن و ... . تو باید از موقعیت کلاست استفاده کنی و تدریس‌هاتو طوری برنامه ریزی کنی که بچه‌ها در خلالش یادبگیرن به درستترین شیوه باهم ارتباط برقرار کنن"(مصاحبه شونده۲۵).

"این بچه‌ها دو روز دیگه که برن تو جامعه ی بزرگتر با هزارجور عقیده و تفکر و فضای جدید روبه رو میشن. اگه منِ معلم در زمان مدرسه ذهن این بچه‌هارو با جامعه ی بیرون آشنا کنم، شاید در آینده جلوی خیلی از انحرافات و مشکلات اونا گرفته بشه" (مصاحبه شونده ۱۳).

۲- شرایط علّی در فرایند پرورش دانش‌آموزان خودنظم‌ده در مدارس ابتدایی

۲-۱) محرک‌های درونی

ارزش‌ها و باورهای معلم، علایق و انگیزه‌های معلم، ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری معلم(نقش الگویی)

در بررسی‌های به عمل آمده از داده‌ها، مشخص شد که یکی از شرایط علی در فرآیند پرورش دانش‌آموزان خودنظم‌ده، محرک‌های درونی معلمان است. این محرک‌ها شامل انگیزه و علاقه ی معلم، ارزش‌ها و باورهای او و ویژگی‌های شخصیتی اوست. بنابراین به نظر می‌رسد اگر معلم با علاقه و اشتیاق وارد این شغل شریف شود، همواره با انگیزه و انرژی در شغل خود تلاش خواهد کرد و دغدغه ی پرورش دانش‌آموزان خودنظم‌ده همیشه در او زنده خواهد بود. همچنین اگر باورها و ارزش‌های معلم مبتنی بر دین و توجه به خدا باشد، نگاه معلم به ارزش‌های انسانی معطوف خواهد شد. خودنظم‌دهی یکی از مهم‌ترین ارزش‌های بشری است. بنابراین معلمی که توجه به این ارزش‌ها در او نهادینه شده باشد، بالتبع شکل گیری آن‌ها در دانش‌آموزانش نیز برای او اهیمت پیدا می‌کند. از طرفی اگر شخصیت معلم، شخصیتی خودنظم‌ده و مثبت نگر نسبت به قابلیت تغییرپذیری دانش‌آموزان باشد، هم الگویی مناسب برای دانش‌آموزان در پرورش خودنظم‌دهی در آن‌ها خواهد بود و هم موجب می‌شود که سختی‌ها و دشواری‌ها مانع تلاش او در مسیر پرورش خودنظم‌دهی دانش‌آموزان نشود و همیشه با امید به تغییر و اصلاح دانش‌آموزان، تمام همت خود را برای به کارگیری راهبردها و راهکارهای گوناگون با نگاهی زیبا به ارزش وجودی هر دانش‌آموز به کارگیرد.

"به نظر من معلمی از ابتدا تا انتهاش علاقه هست. من به شخصه به حضور و وجود دانش‌آموزام بسیار علاقه دارم و عاشقانه کار می‌کنم. به‌همین خاطر برام خیلی مهمه که بتونم اونارو درست‌تربیت کنم و پرورش بدم" (مصاحبه‌شونده ۷).

"معلمی در نظر من فقط عشق و علاقه هست. یادمه در دوران کارورزی دانشگاه فرهنگیان که به سر می‌بردم، یه بار یه جمله‌ای را در کتابی خوندم از آقای مطهری که گفته بودن: اگر به معلمی

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

به عنوان یه شغل نگاه میکنی دنبالش نرو. من ازون به بعد هرچی که گذشت بیشتر عاشق معلمی‌شدم" (مصاحبه شونده ۱۲).

"اینکه بتونم در تعاملات اجتماعیم، در شغلم، در درس‌های مربوط به دانشگاهم همیشه خوب عمل کنم برام خیلی مهم و با ارزشه. منظورم از خوب اینه که واقعا یادخدا رو در همه ی لحظات زندگیم در ذهنم داشته باشم که بتونم اونو از خودم راضی نگه دارم و خودمم از عملکرد خودم راضی باشم" (مصاحبه شونده ۲۰).

"نمیخوام از خودم تعریف کنم ولی برای تمام کارهای زندگیم برنامه ریزی می‌کنم حتی کوچکترین کارهام. البته والدینم در باراومدنم به این صورت خیلی نقش داشتن. همین ویژگیم باعث شده سرکلاس هم که میرم از دانش‌آموزام خیلی انتظار داشته باشم اونا هم منظم باشن. واسه همین همیشه نظم و برنامه ریزی رو یادشون میدم و مرتب بر عملکردشون نظارت می‌کنم" (مصاحبه شونده ۹).

"همیشه تلاش کردم نگاهم را طوری کنم که وقتی دانش‌آموزی پرخاشگره یا ناسازگار، به خاطر این خصوصیات منفیش ارتباطمو باهاش خشک و خشن نکنم. همش سعی می‌کنم ویژگی‌های خوبشو به خودم یادآور بشم تا به واسطه ی اونا بتونم ارتباط خوبی باهاش بگیرم. این ارتباط خوب گرفتن بارها بهم کمک کرده که بتونم در تغییر دادن رفتارای بد دانش‌آموزام موفق باشم" (مصاحبه شونده ۲).

۲-۲) محرک‌های بیرونی

کمبودها و نقص‌های مشاهده شده درمورد مؤلفه‌های خودنظم‌دهی در دانش‌آموزان امروزی، نیاز جوامع گوناگون به افراد خودنظم‌ده

زمانی که معلمان با مشکلی در ارتباط با دانش‌آموزان مواجه می‌شوند، بی‌تردید برای رفع مشکل و برقراری تعادل در وضعیت موجود، راهکارهایی را در نظر می‌گیرند و برای بهبود اوضاع تلاش می‌کنند. وقتی معلمی‌با دانش‌آموزانی مواجه می‌شود که در انجام کارها نظم ندارند، مسئولیت پذیر نیستند، در تعاملات اجتماعی توانایی کنترل رفتارهای خود را ندارند و.... (به طور کلی خودنظم‌ده نیستند یا در خودنظم‌دهی خود دچار نقص هستند)، همین مورد به عنوان عاملی محرک و برانگیزاننده، معلم را به تفکر و تکاپو برای پرورش خودنظم‌دهی در دانش‌آموزان وا می‌دارد. بنابراین به نظر می‌رسد که اگر معلم نگاهی ژرف به ابعاد شخصیتی دانش‌آموزان و تفاوت‌های فردی آن‌ها داشته باشد، به راحتی متوجه اینگونه نقصان‌ها در آن‌ها خواهد شد و همین امر موجب سوق دادن او به سمت پیدا کردن راهکار و اجرای آن در کلاس درس می‌شود.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

از طرفی باتوجه به گسترده شدن نیازهای انسان و سازوکارهایی که جهت پاسخگویی به این نیازها درنظر گرفته شده (برای مثال ورود صنعت و تکنولوژی به زندگی انسان‌ها)، زندگی افراد پیچیده شده است. برای اینکه آدمی بتواند در شرایط پیچیده و دشواری که زندگی ماشینی برای او ایجاد می‌کند، به درستی عمل نموده و موفق باشد، باید فردی خودنظم‌ده بار بیاید. بنابراین اگر معلمان و سایر متولیان نظام‌های آموزشی آینده گر بوده و دغدغه تربیت افرادی داشته باشند که در آینده بتوانند روی پای خود بایستند و زندگی خود را به درستی مدیریت کنند، درواقع به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، در قالب برنامه درسی آشکار یاپنهان، به پرورش خودنظم‌دهی در دانش‌آموزان توجه کرده اند.

"امسال که پایه ی دوم را داشتم خیلی اذیت شدم. همش با خودم میگفتم اگر معلم کلاس اول این بچه‌هارو از اول منظم بار میاورد و قانون یادشون میداد الان اینقدر منو اذیت نمی‌کردن. چندسال پیش هم که پایه ی ششم داشتم از بی نظمی بچه‌ها و اینکه کنترل درستی روی خودشون نداشتن به ستوه اومده بودم.درحالی که اونا ششم بودن و من بیشتر ازینا ازشون انتظار داشتم. واسه همین بخش زیادی از تلاشمو در شغلم روی این مسئله میذارم که بتونم خودنظم‌ده بارشون بیارم" (مصاحبه شونده ۱۷).

وقتی به زندگی خودم و اطرافیانم نگاه می‌کنم می‌بینم که چقدر زندگیامون پر مشغله و پر دغدغه شده. گاهی نگران بچه‌هام میشم. میگم اینا وقتی به سن ما برسن قطعا مشکلات و گرفتاری‌های اطرافشونم بیشتره و چه جوری میخوان ازپس کاراشون بربیان. دانش‌آموزامم مثل بچه‌های خودمن فرقی نمیکنن. غصه ی اونارو هم میخورم. به عنوان یه معلم همش به خودم یادآوری می‌کنم که باید بهشون کمک کنم تا در آینده از پس خودشون بربیان" (مصاحبه شونده ۴).

۳- شرایط زمینه‌ای در فرآیند پرورش دانش‌آموزان خودنظم‌ده در مدارس ابتدایی

۱-۳) برنامه ریزی

جذب،تربیت و آموزش ضمن خدمت معلمان، تناسب تعداد مدارس، دانش‌آموزان و معلمان با یکدیگر

جذب معلمان به عنوان نیروی آموزشی یا پرورشی در نظام آموزش و پرورش عمدتا از طریق آزمون سراسری و یا آزمون‌های استخدامی صورت می‌گیرد و مصاحبه‌هایی با پذیرفته شدگان در نخستین مرحله برای پذیریش یا عدم پذیرش نهایی انجام می‌شود. مسلما فرآیند پذیرش در این شغل باید به دقت و با حساسیت بالا صورت پذیرد (لزوم توجه به تمامی‌ابعاد وجودی معلم اعم از دانش، نگرش و مهارت‌ها و توانایی‌های مورد نیاز برای این حرفه) ؛ چراکه معلمی حرفه‌ایست خطیر و پراز مسئولیت. ازطرفی پس از پذیرش، محتمل است اگر دانشگاه‌تربیت معلم که امروزه نام دانشگاه فرهنگیان بر آن نهاده شده است، بستری را فراهم سازد تا دانش،

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

نگرش، مهارت‌ها و توانایی‌های مورد نیاز این حرفه را در افراد به وجود آورد یا تقویت نماید، فارغ التحصیلان آن معلمانی خواهند بود که از سواد علمی، اخلاقی و عاطفی مطلوبی برخوردارند . اگر پس از ورود آن‌ها به شغل معلمی نیز، آموزش‌های ضمن خدمت در جهت افزودن و به روز کردن اطلاعات و مهارت‌های معلم به طور مستمر و هدفمند در دستور کار قرار گیرد، توانایی‌ها و تجربه‌های آن‌ها بالاتر و به روزتر می‌شود. تمامی‌آنچه که ذکر شد فرآیندی است که اکنون در نظام آموزش و پرورش ما درحال اجرا است. آنچه حائز اهمیت است این است که‌تربیت معلمانی که بتوانند دانش‌آموزانی خودنظم‌ده‌تربیت کنند باید در تمامی مراحل مذکور موردتوجه قرار گیرد. لازم به ذکر است که این مراحل از دید برخی از معلمان با نقص‌ها و اشتباهاتی نیز رو به روست که در روایت‌های زیر تاحدودی به آن‌ها پرداخته شده است.

" در چندسال اخیر هرچی معلم از طریق دانشگاه فرهنگیان گرفتن فقط براساس رتبشون بوده. انگارمصاحبه‌هاشون فرمالیته اس. نتیجشم این میشه که با یه تعداد معلمی‌رو به رو میشیم که نه فن بیان درستی دارن نه حتی علاقه‌ای دارن به شغل معلمی.صرفا به خاطر حقوق و مزایاش وارد این حرفه شدن. این خیلی تاسف باره. به نظر من دست اندرکاران آموزش و پرورش یا حداقل همون افرادی که مصاحبه‌های‌تربیت معلم رو انجام میدن باید بهتر ازینا افراد را برای این شغل گلچین کنن" (مصاحبه شونده ۲۵).

"از وقتی وارد شغل معلمی‌شدم، با مشکلات مختلفی در ارتباط با دانش‌آموزان رو به رو شدم. گاهی با خودم فکر می‌کنم که‌ای کاش در مدت ۴ سالی که در دانشگاه فرهنگیان درس خواندم، به جای آنکه آن همه ما را وادار کنند که مطالب صرفا تئوری و گاهی نامرتبط را بخوانیم و امتحان‌دهیم، کمی‌بیشتر دروس روان شناسی را با ما کار می‌کردند و ای کاش کاروزی‌های غنی‌تری داشتیم تا حداقل برقراری ارتباط با دانش‌آموزان مختلف را تاحدودی یاد می‌گرفتیم" (نامه ۶).

"آزمون‌های ضمن خدمت را مدت زیادیه شرکت نمی‌کنم دیگه. چون که چندین ساله بی محتوا شده. اکثر دوره‌ها هم الکترونیکی شده، خیلی‌ها راحت به جای هم امتحان میدن بدون اینکه محتوا را بخونن. در مورد خودنظم‌دهی و مسائل روان شناسی از این دست که مدت‌هاست برنامه‌ای در ضمن خدمت‌ها ندیدم" (مصاحبه شونده ۱۰).

از طرفی، برنامه ریزی برای رعایت تناسب تعداد مدارس، دانش‌آموزان و معلمان با یکدیگر، یکی دیگر از موارد مهمی‌آست که باید مورد توجه برنامه ریزان نظام آموزش و پرورش قرار گیرد. پرواضح است که تعداد مناسب دانش‌آموزان به معلم این فرصت را خواهد که صرفا بر مسائل آموزشی تأکید نکند و مسائل دیگر ازجمله پرورش خودنظم‌دهی در دانش‌آموزان را نیز مدنظر قرار دهد.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

"تعداد زیاد دانش‌آموزان در کلاس یکی از مسائلی است که بیشتر معلمان خصوصا در چندسال اخیر با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. همه ی ما معلمان دوست داریم که دانش‌آموزانی خودنظم‌ده، مسئول، دارای روابط اجتماعی خوب و... را بار بیاوریم. اما مگر این تعداد زیاد دانش‌آموزان اجازه ی رسیدگی به همه ی این موارد را می‌دهد؟؟" (نامه ۲)

۲-۳) محتوا

آموزشی، پرورشی

محتوای کتاب‌های درسی می‌توانند انتقال دهنده ی دانش، ایجاد کننده و تقویت کننده ی نگرش و آموزش دهنده ی مهارت‌هایی باشند که همگی موجب پرورش خودنظم‌دهی در دانش‌آموزان شوند. بسیاری از احادیث قرآنی در کتاب درسی قرآن، داستان‌ها در کتاب هدیه‌های آسمان، فارسی و مطالعات اجتماعی و راهبردهای حل مسئله در کتاب ریاضی، همه و همه در آموزش و الگوگیری برای کسب توانایی‌هایی همچون حل مسئله، تفکر انتقادی، برنامه ریزی کردن، مسئولیت پذیری و... به معلم و دانش‌آموز کمک می‌کنند. آموزه‌های معلم که در قالب تکالیف، آزمون‌ها و... نیز به دانش‌آموزان عرضه می‌شود، می‌تواند موجب پرورش روحیه ی مسئولیت پذیری، نظم و دقت، برنامه ریزی و مواردی از این دست در دانش‌آموزان شود.

محتوای پرورشی که در مدارس عرضه می‌شود در قالب مجلات رشد، کتاب‌های موجود در کتابخانه ی کلاس یا مدرسه، جزوه‌ها، بروشورها یا کتابچه‌های مربوط به مسابقات فرهنگی- هنری است که همگی مطالبی درخور فهم و نیاز دانش‌آموزان برای پرورش روحیه ی خودنظم‌دهی را تاحدودی دارا هستند.

اما در کنار تمام این موارد، بیشتر کتب درسی دانش‌آموزان بر آموزش مطالب علمی تأکید دارند. ازطرفی حجم کتاب‌ها نسبت به سال‌ها قبل، بیشتر شده و معلم مجبور است برای آموزش تمامی اهداف درسی گنجانده شده در کتب، از پرداختن به جنبه ی پرورشی مطالب کتاب که شاید بتوان آن را برنامه ی درسی پنهان نامید، صرف نظر کند و چه بسا که برخی از اهداف درسی هر پایه نیز از سن و سطح درک دانش‌آموزان آن پایه بالاتر است و این مورد نیز عاملی می‌شود که معلم‌ترجیح دهد دغدغه ی پرداختن به مسائل دیگر ازجمله پرورش روحیه خودنظم‌دهی در دانش‌آموزان را کنار بگذارد. به روز نبودن محتوای آموزشی و پرورشی کتب و همراه نداشتن مصادیقی از دنیای امروز، از دیگر مشکلاتی بود که معلمان در این فرآیند به آن اشاره داشتند. بنابراین به نظر می‌رسد که اگر مؤلفان کتب درسی در اهداف کتاب درسی و محتوای آن‌ها تجدیدنظری به عمل آورند تا بیشتر

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

بر افزایش کیفیت مطالب به جای کمیت تأکید کرده و جنبه ی پرورشی مطالب را نیز پررنگ سازند، تحولی سازنده در فرآیند آموزشی و پرورشی معلمان را نیز منجر خواهد شد.

"خیلی از مطالب کتاب هدیه‌های آسمان امسال استفاده کردم برای اینکه بتونم به بچه‌ها پیام‌ها و راهکارهای خوبی رو ارائه بدم. مثلا در به بخشی از کتابشون حدیثی از امام علی (ع) داشت که به بحث برنامه ریزی مربوط می‌شد، کلیتش این بود که مؤمن واقعی زندگیش سه بخشه: تلاش، عبادت، استراحت. من از همین نکته استفاده کردم و کلی در مورد برنامه ریزی کردن به بچه‌ها راهکار دادم. اما در کنار همه ی این خوبی‌ها ای کاش یه ذره کتاب‌های قرآن و هدیه‌های آسمان مثال‌ها و مصداق‌های امروزی بیشتر داشت. چون صرف گفتن داستان پیامبران یا امامان از گذشته به نظر من کفایت نمیکنه و برا اینکه صحبت‌های ما در بچه‌ها مؤثر واقع بشه و اونارو به فکر ببره باید به مصداق‌هایی از جامعه ی امروز که در زندگیشونم هست ارتباط بدیم" (مصاحبه‌شونده ۲۱).

۳-۳) زمان

برای آموزش و پرورش دانش و مهارت‌ها، برای تکرار، پیگیری و نظارت

در فرآیند یاددهی- یادگیری در ابتدا معلم باید زمانی را برای آموزش دانش یا مهارت‌ها صرف کند. مسلما هیچ آموزشی خصوصا در مقطع ابتدایی بدون تکرار، پیگیری و نظارت معلم اثربخش نخواهد بود. تمرین و تکرار است که به رفع نقص‌ها و کمبودهای یادگیری کمک می‌کند و موجب نهادینه شدن آموخته‌ها در دانش‌آموز می‌گردد. در مصاحبه‌ها و نامه‌های دریافتی، می‌توان گفت همه ی معلمان به کمبود زمان اشاره داشتند. حجم زیاد مطالب درسی که باید در بازه ی مشخصی تدریس شود و تعداد زیاد دانش‌آموزان، از اصلی ترین علت‌های کمبود زمان بود. محتمل است اگر حجم کتب درسی دقیقا متناسب با زمان طراحی شود و تأمین امکانات آموزشی کلان همچون مدرسه و کلاس و نیروی انسانی متخصص در صدر نیازها قرار گیرد و توجه بیشتری به آن‌ها شود، شاهد کمبود زمان ناشی از محتوای زیاد و تعداد زیاد دانش‌آموزان در کلاس‌های درس نخواهیم بود. در ادامه مشکلات این مسیر را از زبان دو معلم آورده شده است.

"بارها شده که با اشتیاق تصمیم گرفتم کارهایی را در کلاس انجام بدم اما بعد از یه مدت همه چی دست به دست هم دادن که اون کار را ولش کنم. مثلا یه بار اومدم وقت زنگ‌های تفریحم را برای بچه‌هایی که تکلیف نمی‌نوشتن گذاشتم و بهشون برنامه ریزی کردن را در شکل‌های مختلف یاد دادم و حتی در دفترهاشونم برای تک تکشون جدول کشیدم و گفتم از فردا هر روز این کارو تکرار می‌کنیم و باید درخانه کارهایی که ازتون در این جدول خواستم را کامل انجام بدید. بهشون هم گفتم هر روز دفترهاتون را نگاه می‌کنم که ببینم چقدر پیشرفت می‌کنید. اوایل خوب بود و واقعا برای رسیدگی و تمرین بهشون زمان میذاشتم. اما هرچی در سال تحصیلی جلو میریم حجم

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

کتاب‌ها و تعداد زیاد دانش‌آموزان کار معلم را بیشتر میکنه و معلم همش زمان کم میاره. این شد که دیگه پیگیری اینجور کارهای جانبی را رها کردم" (مصاحبه شونده ۱۱).

" حجم محتوایی که باید آموزش بدیم انقدر زیاده که اصلا فرصتی برای منِ معلم باقی نمیذاره که بتونم خیلی برنامه ریزی کردن یا خودنظم‌ده شدن رو به بچه‌ها یاد بدم. من حتی از زنگای هنر و ورزشم هم بعضی وقتا می‌گیرم که فقط بتونم یه درس فارسی یا ریاضی رو تموم کنم. نمیشه هم عقب افتاد آخه، چون مرتب سرگروه‌های آموزشی یا راهبرها میان و اگه ببینن از بقیه کلاسا عقبی میگن حتما این معلم داره کم کاری میکنه" (مصاحبه شونده ۵).

۴-۳) امکانات

خرد، کلان

برای تحقق اهداف در هر نظامی، در ابتدا باید زیرساخت‌های فیزیکی لازم مهیا شوند. نظام آموزش و پرورش هم از این قاعده مستثنی نیست. مدرسه به عنوان خانه ی دوم دانش‌آموزان است و بستری را فراهم می‌کند که معلم بتواند به تعلیم وتربیت دانش‌آموزان که امری خطیر و قابل توجه است، بپردازد. از این رو پرداختن به امکانات کلان این نظام که می‌توان گفت شامل مدرسه‌ها و کلاس‌های مناسب و درخور نیاز دانش‌آموزان است، موضوعی است که در نخستین مرحله از برنامه ریزی‌های این نظام باید مورد توجه قرار گیرد. پس از آن، امکانات درون مدرسه‌ای که وجود آن‌ها برای مسائل آموزشی و پرورشی لازم و یاری دهنده است، حائز اهمیت است. برای مثال اگر در درس علوم یا ریاضی، وسایل آموزشی مانند وسایل موردنیاز برای آزمایش‌ها به تعداد کافی وجود داشته باشد، هردانش‌آموزی می‌تواند در طی یک کار مشارکتی، لذت انجام آزمایش‌ها را تجربه کند. دانش‌آموز در خلال این تجربه وادار می‌شود که نکاتی در مورد مسئولیت پذیری، ارتباط با همسالان در کارگروهی و... را فراگیرد که در نهایت تمامی این‌ها به افزایش اعتماد به نفس در او منجر می‌شود. تخته‌های هوشمند یکی دیگر از امکاناتی است که کمبود آن‌ها در بسیاری از مدرسه‌ها به چشم می‌خورد. این در حالی است که یک وسیله ی بسیار کاربردی و مناسب برای آموزش آسان تر بسیاری از مفاهیم اجتماعی و ارتباطی خصوصا در دوره ی ابتدایی است. همچنین طبق گفته‌های معلمان، باتوجه به اینکه تشویق کردن دانش‌آموزان در فرآیند خودنظم‌دهی، یکی از ضروریات می‌باشد، اما متاسفانه بودجه ی کافی برای بانک‌های جایزه ی مدارس یا تشویق دانش‌آموزان برتر در زمینه‌های مختلف درنظر گرفته نمی‌شود. متاسفانه در بسیاری از مناطق دور افتاده در کشور ما، دانش‌آموزان حتی از نعمت مدرسه محروم اند. در چنین وضعیتی چگونه می‌توان انتظار داشت که

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

معلم بتواند در فضایی که حتی آسودگی روان دانش‌آموزان تأمین نمی‌شود، به پرورش همه جانبه ی شخصیت آن‌ها بپردازد. از این رو توجه به تمامی امکانات خرد و کلان در نظام آموزش و پرورش زمینه‌ای را فراهم می‌کند که معلم با بهره گیری از آن‌ها بتواند به مسائل‌تربیتی گوناگون از جمله پرورش خودنظم‌دهی در دانش‌آموزان بپردازد.

"یک سال قبل از اینکه وارد سال تحصیلی جدید بشویم تصمیم گرفتم یک هفته در میان، زنگ‌های هنر را به آموزش مهارت‌های ارتباطی با دیگران اختصاص دهم. در تابستان که وقت آزادتری داشتم، محتوای الکترونیکی، فیلم، عکس و چیزهایی از این دست را جمع آوری کردم و یک گنجینه ی خوب برای خودم تهیه کردم. وقتی وارد مدرسه ی جدید در آن سال شدم، دیدم فقط یک پروژکتور در آن مدرسه است که آن هم در نمازخانه ی مدرسه، جایی که نه تخته‌ای و نه وسایل دیگریست، وجود دارد. خیلی ناراحت شدم. بعضی هفته‌ها تلاش کردم بچه‌ها را به نمازخانه ببرم اما هربار با مشکلی مواجه می‌شدیم. ای کاش در هرکلاسی حداقل امکاناتی از این دست وجود داشته باشد که معلم بتواند بهتر در مورد بحث پرورشی دانش‌آموزان اقدام کند" (نامه ۱).

"در مدرسمون یه بانک جایزه نداریم. مگه معلم هم با حقوق ناچیزی که داره چقدر میتونه برای بچه‌ها جایزه بگیره. این دانش‌آموزا واقعا به تشویق کردن نیاز دارن تا متوجه بشن پیشرفتشون برای ما مهمه. همش که نمیشه بازخورد کلامی‌داد" (مصاحبه شونده ۲۱).

۵-۳) قوانین

جامع (هنجارهای رسمی و مستند)، درون مدرسه‌ای (هنجارهای غیررسمی و توافقی)

قانون و رعایت آن در هرجامعه‌ای، افراد را ملزم می‌کند که برای کارهای خود برنامه ریزی کنند و بر اعمال خویش نظارت داشته باشند. مسلما جامعه ی بدون قانون، جامعه‌ای پر از هرج و مرج و دارای افرادی بی نظم، بی مسئولیت و بی بند وبار خواهد بود. بنابراین حضور قوانین، این هنجارهای مورد توافق افراد، در هر جامعه‌ای ضروری است.

در نظام آموزش و پرورش برخی از قوانین کلی که بصورت مستقیم یا غیرمستقیم به پرورش دانش‌آموزان خودنظم‌ده اشاره دارد شامل این موارد است: حضور به موقع در مدرسه، پرهیز از غیبت غیرموجه، رعایت ادب و احترام در برخورد با سایرین، رعایت زمان بندی زنگ‌های کلاس و زنگ‌های تفریح، انجام وظایف آموزشی و تحصیلی و....

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

علاوه براین قوانین که می‌توان گفت هنجارهای پذیرفته شده در تمام مدارس دنیاست، هر مدرسه به عنوان یک نهاد تعلیم‌تربیت، می‌تواند قوانینی را برای اداره ی بهتر، خلاق‌تر و موفق‌تر خود داشته باشد. که این قوانین عمدتا از سوی مدیر و معاون و گاهی با مشورت با معلمان و سایر کارکنان مدرسه می‌تواند وضع شود.

تمامی این قوانین جامع و درون مدرسه‌ای، هم دانش‌آموز و هم معلم را ملزم خواهند کرد که چهارچوب‌هایی را مدنظر قرار داده و در آن چهارچوب به فعالیت بپردازند و بر کار خود نظارت داشته باشند. همین مسئله یکی از عوامل اصلی در پرورش خودنظم‌دهی دانش‌آموزان خواهد بود. در ادامه نمونه‌هایی از این قوانین از زبان معلمان آورده شده است.

"در مدرسه‌ای که هستم، مدیرمون خیلی خلاق و با انگیزه اس. یه قانونای خاصی در مدرسه گذاشته که بچه‌ها را منظم بار بیاره. مثلا گفته همه ی بچه‌های مدرسه باید تا آخر سال یه مسئولیت را به انجام برسونن. از همون پایه‌ی اول تا آخر برای کوچکترین کارها مثل آب دادن به گلدونا، چک کردن شیرهای آب که چکه نکنن و... مسئولیت گذاشته و بچه‌ها اینارو معمولا در زنگای تفریح انجام میدن. مدرسه یه نظم قشنگی گرفته. بچه‌ها هم اعتماد به نفسشون بالا میره وقتی میبینن مدیر یا معاون یه مسئولیت بهشون میده و بعد اگر کارشون را خوب انجام بدن تشویق هم میشن" (مصاحبه شونده ۱۸).

"معاون پرورشی ما یه برنامه داده به بچه‌ها که مشخصه چه روزهایی و در اون روزها کدوم زنگای تفریح باید بچه‌ها برای تمرین سرود سرصف مرتب بایستند و با جدیت تمرین کنن. اوایل برای بچه‌ها سخت بود. اما چون که معاون ممارست به خرج داد بچه‌ها به این برنامه عادت کردن و بعد از مدتی در مسابقات کشوری سرود هم رتبه آوردن. این برای بچه‌ها خیلی لذت بخش بود. نتیجه ی تلاش و برنامه ریزی‌های خودشون و معاون را میدیدن" (مصاحبه شونده ۱۰).

۴- شرایط واسطه‌ای (مداخله گر) در فرآیند پرورش دانش‌آموزان خودنظم‌ده در مدارس ابتدایی

۴-۱) عوامل شخصی معلم

مسائل فردی، مسائل خصوصی

مسائل فردی و خصوصی معلم، به عنوان اثربخش‌ترین مجری در نظام آموزش و پرورش که در ارتباط مستقیم با دانش‌آموزان است، مسلما بر روی روند کاری او نیز تأثیر خواهد گذاشت. البته میزان این تأثیرگذاری در معلمان مختلف، متفاوت است. وانگهی برخی از مسائل به صورت اجتناب ناپذیری در شغل فرد مؤثرند. برای مثال هرچه سن یک معلم بالاتر می‌رود، توان روحی و جسمی او در برخورد با دانش‌آموزان تضعیف شده و همین مسئله ممکن است موجب شود که معلم خود را درگیر مسائلی همچون پرورش خودنظم‌دهی در دانش‌آموزان

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

نکند. سابقه ی کاری از دیگر مواردی است که ضمن ارتباط داشتن با ویژگی سن، می‌تواند از جهت دیگری اینگونه تعبیر شود که هرچه سابقه ی کاری معلم بالاتر می‌رود، به دلیل انباشت تجربه‌های گوناگون، ظرفیت و توان معلم در فرآیند پرورش خودنظم‌دهی در دانش‌آموزان نیز افزایش می‌یابد. مدرک تحصیلی هم می‌تواند مؤثر واقع شود و هم باتوجه به روند مدرک گرایی در کشور ما که موجب شده از کیفیت ادامه ی تحصیل درافراد بکاهد، می‌تواند بی تأثیر هم باشد. اما به صورت کلی هرچه معلمی در مقاطع بالاتر دانشگاهی تحصیل کرده باشد، دانش و مهارت‌های بیشتر و به روزتری را آموخته که می‌تواند در ارتباط با پرورش خودنظم‌دهی در دانش‌آموزان آن‌ها را به کار گیرد.

میزان مطالعه ی جانبی یک معلم در زمینه ی شغلی او، از عوامل مؤثر دیگر در فرآیند پرورش دانش‌آموزان خودنظم‌ده است. معلمانی که اهل مطالعه هستند و مدام در جستجوی یافتن بهترین راهکارها برای منظم بارآوردن دانش‌آموزان، کتاب‌های مختلف را می‌خوانند، در فرآیندهای آزمون و خطا، راهکارهای مختلف را امتحان کرده و به کسب تجربه می‌پردازند.

مسائل خصوصی زندگی یک معلم مانند مشکلات خانوادگی، زناشویی و... روح و روان او و بالتبع جسم او را درگیر خواهد کرد. معلمی که از آسودگی روحی و جسمی خوبی برخوردار نباشد، هرچقدر هم که همت خود را به کار گیرد که این مسائل در شغل او تأثیر نگذارند، اما بی شک شغل او از تأثیرات این مشکلات بی نصیب نخواهد بود.

البته به نظر می‌رسد که با همه ی این توصیفات، نظام آموزش و پرورش هم به طرز مؤثری می‌تواند یاری رسان معلمان باشد. زمانی که با افزایش درآمد معلمان و درنظرگرفتن تسهیلات ویژه ی رفاهی، دغدغه ی معیشتی آن‌ها را به حداقل برساند، این یاری رسانی محقق شده و باتوجه به توضیحات مذکور، بر فرآیند آموزشی و پرورشی معلمان و به طورکلی مدارس تأثیرگذار خواهد بود.

> *"اکثر معلمای سن بالا را که نگاه می‌کنم اینقدر بی حوصله هستند که حتی در رفتارشون با دانش‌آموزان این بی حوصلگی مشهوده. معلمی که خودش سر بچه‌ها مدام داد میزنه و پرخاشگره چه جوری میخواد به دانش‌آموزای پرخاشگر یا ناسازگارش مهارت‌های کنترل خشم را یاد بده؟!" (مصاحبه شونده ۲۳).*

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

"با اینکه بچه ی کوچیک دارم و در خونه باید بیشتر زمانم را صرف اون بکنم اما سعی می‌کنم هر ماه یا هر دوماه یک بار یه کتاب بخونم. مثلا الان یه کتابی را دارم مطالعه می‌کنم درمورد آموزش مهارت خودسنجی به دانش‌آموزان که هم در تدریسم خیلی بهم کمک کرده هم در خونه برای‌تربیت فرزندم. احساس می‌کنم یه مدته تأثیرش را در دانش‌آموزام و پسرم دارم می‌بینم" (مصاحبه شونده ۸).

"با اینکه در مقطع کارشناسی ارشد در رشته ی روان شناسی‌تربیتی تحصیل کردم، اما انتظاراتم از این رشته برآورده نشد. حالا بهتر از هر زمانی به این موضوع پی برده ام که مدرک مهم نیست، مهم این است که خود معلم چقدر به دنبال دانش برود. چند وقتیست که کتاب‌های روان شناسی از کتابخانه‌ها می‌گیرم و مطالعه می‌کنم و توانسته ام با تکنیک‌های بسیاری در مورد کنترل خشم، کنترل رفتار در موقعیت‌های گوناگون، پیشرفت تحصیلی و... آشنا شوم و آن‌ها را در کلاس درس هم به کار گیرم" (نامه ۵).

"مدتی بود که به خاطر بچه دار شدن مشکلاتی داشتم. حدود پنج شش ماه درگیر اینجور مسائل بودم. ذهنم به کلی بهم ریخته بود و اضطراب زیادی داشتم. در اون مدت اغلب در کلاس بی حوصله و کسل بودم و اصلا نمیتونستم ارتباط عاطفی خوبی با بچه‌ها خصوصا بچه‌های بی نظم وشلوغ کلاسم برقرار کنم". (مصاحبه شونده ۱۳).

۲-۴) عوامل سازمانی

جو داخلی مدرسه، تسهیلات ویژه ی معلمان

بررسی شواهد نشان داد که نوع روابط همکاران در مدرسه و فضایی که این ارتباط به وجود می‌آورد، می‌تواند معلم را در فرآیند پرورش خودنظم‌دهی یاری‌رساند. مدیرانی که روحیه ی حمایت از ایده‌های خلاقانه معلمان را دارند، برای رسیدن به مقاصد تربیتی و آموزشی با معلمانشان همکاری لازم را در اجرای برنامه‌های گوناگون دارند، به معلمان آزادی عمل می‌دهند تا برنامه‌های خود را اجرایی کنند و آن‌ها را تشویق می‌کنند. چنین مدیرانی فضای داخلی مدرسه را آکنده از جوی صمیمانه و خوب برای پیشبرد اهداف متعالی نظام آموزش و پرورش می‌کنند. پرواضح است که احتمال بیشتری وجود دارد برای معلمی که در چنین محیطی مشغول به فعالیت باشد، برنامه‌های گوناگون در جهت پرورش دانش‌آموزان خودنظم‌ده را برنامه‌ریزی کرده و به اجرا درآرود.

"خداروشکر تا الان در مدرسه ای که بودم مدیرم هیچ محدودیت بی معنی برام نذاشته. در حالیکه از بقیه همکارانم مواردی رو می‌شنوم که مدیر با معلم همکاری نمی‌کنه و پشتش نیست. من دانش‌آموزانم را خیلی به بازدید از مکان‌های مختلف می‌برم. خیلی وقت‌ها کلاس را در حیاط برگزار می‌کنم. در بازدیدها به اونا یاد میدم چه جوری رفتارشون را کنترل کنن یا بهشون مسئولیت میدم که به من کمک کنن. برای بعضی درسا تدریس را به دانش‌آموزام واگذار می‌کنم که در قالب

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

نمایش یا کنفرانس آموزش بدن. برای این کار هم معمولا میریم به حیاط که فضای بیشتری داشته باشیم. اما مدیر و معاون مدرسم یه بار هم نشده بگن اینکارا را نکن، مدرسه را بهم میریزی یا غر نزدن" (مصاحبه شونده ۱).

حق طبیعی معلمان است که همچون تمامی کارمندان دولت از تسهیلات ویژه ی شغل خود بهره مند باشند. در بیشتر شواهدی که بدست آمد، مشارکت کنندگان به کم بودن حقوق معلمان اشاره کرده بودند و آن را دلیلی برای بی انگیزه شدن در شغل خود و صرفا انجام وظیفه می‌دانستند. برخی نیز مجوزهایی که برای ادامه تحصیل یا انتقالی با شرایط سخت داده می‌شود یا معمولا داده نمی‌شود را دلیلی برای این بی انگیزگی و حتی کم کاری خودشان می‌دانستند.

بنابراین اگر مسئولان نظام آموزش و پرورش، بحث تسهیلات رفاهی و ارزش گذاری برای علم در خصوص ادامه تحصیل معلمان را بیشتر موردتوجه قرار دهند، محتمل است که موجب افزایش رغبت و رضایت شغلی در آن‌ها می‌شوند که این موضوع به نوبه ی خود تأثیرات قابل توجهی را در پرورش هرچه بهتر و کامل تر دانش‌آموزان خواهد داشت.

"در همه کشورها حقوق معلما از حقوق دکتر مهندسا بالاتره. اینهمه صبح تا ظهر بیا مدرسه با ۳۰ تا دانش‌آموز سروکله بزن و درس یادشون بده آخرماه دو تومن بهت بدن. خب آدم بی انگیزه میشه دیگه. میگه بیام همین درسو یادشون بدم برم بسه چرا واسه‌تربیتشون اینقد خودمو اذیت کنم. مامان باباهاشون بقیه چیزارو یادشون بدن" (مصاحبه شونده ۲۲).

"سالی که با کلی تلاش دانشگاه روزانه همون رشته‌ای که دوست داشتم قبول شدم، از قضا فرصت پیش اومد که ازدواج کنم. همسرم هم در همون شهری که دانشگاهم بود، مشغول به خدمت بود.کلی با اداره صحبت کردم که انتقالی بهم بدن. جوابشون این بود که نه فعلا انتقالی میدیم و نه اجازه داری روزانه بخونی. من یکسال هر روز گریه کردم و اعصابم به خاطر دوری از همسرم و مرخصی گرفتن از دانشگاه خورد بود. معلمی که این شرایط روحی را براش میسازن مسلمه که نمیتونه سرکلاس خوب عمل کنه و اونطوری که میخواد به پرورش همه ی جنبه‌های شخصیتی دانش‌آموزاش توجه کنه" (مصاحبه شونده ۱۵).

۳-۴) نهاد خانواده

نقش‌تربیتی، نقش نظارتی

خانواده به عنوان اولین نهادی که هر فرد در آن چشم به جهان می‌گشاید، نخستین پایه‌های اخلاقی، عقیدتی، شخصیتی، رفتاری و عملکردی را در فرد می‌چیند. پدر و مادر به عنوان مؤثرترین افراد در این نهاد، از همان بدو

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

تولد فرزندشان با شیوه‌های‌تربیتی که در پیش می‌گیرند و همچنین با اعمالی که از خودشان سر می‌زند، نقش اولین مربی‌ها را برای فرزند خود ایفا می‌کنند و در این نقش، الگو بودن آن‌ها تأثیر به سزایی درتربیت فرزند دارد. بنابراین بیش از پیش باید حواسشان به رفتارها و گفتارهایشان باشد. پدر و مادری که همواره کارهایشان را در خانه با برنامه ریزی انجام می‌دهند، مسئولیت‌های شغلی و خانوادگی خود را صحیح به انجام می‌رسانند، انتظارات خود را از فرزند برایش روشن می‌کنند، همواره منظم و مرتب هستند، در برخورد با یکدیگر رفتارشان را تحت کنترل دارند و مواردی از این دست، همه و همه باعث می‌شود که فرزند آن‌ها نیز ببیند و یادبگیرد و شخصیتش با چنین صفات خوبی آراسته شود. این فرزند وقتی در نقش دانش‌آموز در کلاس درس و مدرسه حاضر می‌شود، همان رفتارها و عملکردها را در خصوص امور تحصیلی خود و در ارتباط با همکلاسی‌ها و معلمش دارد و معلم هم راحت‌تر می‌تواند خودنظم‌دهی او را تقویت یا اصلاح کند. از این رو خانواده نقش واسطه‌ای به سزایی در پرورش خودنظم‌دهی در دانش‌آموزان دارد. از طرفی خانواده‌هایی که با ورود فرزندشان به مدرسه، به صورت مرتب پیگیر وضعیت درسی، رفتاری و روانی فرزندشان هستند و با معلم ارتباط برقرار می‌کنند، هم معلم را در شناخت بهتر دانش‌آموز یاری می‌دهند، هم در صورت بروز مشکل حامیان و کمک کننده‌های خوبی برای فرزندشان خواهند بود. از این رو با پیگیری و نظارتشان و ارتباطشان با مدرسه، معلم را نیز در پرورش هرچه بهتر روحیه ی خودنظم‌دهی در فرزندشان یاری خواهد داد.

> *"دانش‌آموزایی که منظمن، با ادبن و حواسشون به همه چی هست، از همون روزای اول مدرسه مشخص میشن. اکثرا هم از خانواده‌هایی هستن که پدرومادرشون همین ویژگی‌ها را دارن. یه عده هم هستن که شاید پدرومادرشون در بحث‌تربیتی بچه از اول باهم هماهنگی زیادی نداشتن، خب این بچه‌ها مشکلاتی دارن اما گاهی خوبی اینجور بچه‌ها اینه که یکی از والدین خیلی پیگیر کار بچش درمیاد و با منِ معلم ارتباط میگیره. منم اینجوری بهتر میتونم کمکش کنم. اما اون دسته‌ای که نه والدینشون الگوی خوبی برای بچه‌ها بودن و نه خیلی پیگیر کار بچه‌هاشون در مدرسه هستن، معلم سرتربیت کردنشون از همه بیشتر اذیت میشه" (مصاحبه شونده ۱۷).*

۴-۴) ارتباط با همسالان

داخل مدرسه، خارج از مدرسه

زمانی که دانش‌آموز به مدرسه قدم می‌گذارد، با جمع زیادی از افراد همسن و سال خود رو به رو می‌شود که در مقطع ابتدایی همه ی این افراد روحیه ی تقلیدپذیری از هم دارند. در خارج از مدرسه نیز، ارتباط با همسن و

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

سالان ممکن است کم و بیش وجود داشته باشد. اما آنچه حائز اهمیت است این است که فرصت هرروزه ی درکنارهم بودن دانش‌آموزان در کلاس با حضور فردی به عنوان معلم که هدایت گر خوبی است، بهترین فرصت برای انجام اینکار است که معلم و سایر کارکنان مدرسه تمام تلاش خود را به کارگیرند که با سامان دادن ارتباطات بین فردی در آن‌ها و استفاده از روحیه ی تقلید پذیری و الگوگیریشان، همان چیزی که در نظریه ی شناختی- اجتماعی بندورا نیز مطرح شد، فرآیند پرورش خودنظم‌دهی در آن‌ها را به صورت مؤثری هدایت کنند.

"دانش‌آموزا خصوصا دانش‌آموزای پایه‌های پایین‌تر، منتظرن ببینن دوستشون چیکار میکنه که اونا هم همون کار را انجام بدن. من همیشه سعی کردم از این ویژگیشون استفاده کنم که چیزای خوب یادشون بدم. البته این ویژگی یه وقتایی مخربه. مثلا زنگای تفریح که بالای سر بچه‌های کلاس اولیم نباشم، ممکنه در تقلید از هم یه کار اشتباه یا یه حرف بد یادبگیرن و این بارها اتفاق افتاده. حالا خدا میدونه که اون بچه‌هایی که مامان باباها رهاشون میکنن که تو کوچه با هربچه ی همسایه‌ای بازی کنه چقدر ممکنه چیزای بد یادبگیرن. من سرکلاسم افراد منظم، افراد تمیز، افرادی که تکالیفشون را همیشه به موقع به من تحویل میدن، افرادی که در ارتباط با من و بقیه بزرگترهاشون در مدرسه همیشه سلام می‌کنن، افرادی که بعد از من سر کلاس نمیاین و چنین مواردی را همیشه در جمع تشویق می‌کنم. این باعث میشه اونایی که اینکارا را نمیکنن، شروع کنن به تقلید کردن این رفتارهای خوب" (مصاحبه شونده ۳).

۵- راهبردها در فرآیند پرورش دانش‌آموزان خودنظم‌ده در مدارس ابتدایی

۵-۱) عاملیت بخشی

مسئولیت دادن به دانش آموز، واگذاری انتخاب اهداف یادگیری به دانش آموز، دریافت گزارش نظارت شخصی، تکالیف مهارت محور

از دیدگاه برخی از معلمان، تکالیف نیز اگر هدفمند طراحی و به دانش‌آموزان عرضه شود، می‌تواند در پرورش خودنظم‌دهی در دانش‌آموزان مؤثرباشد. برخی از تکالیف پژوهشی زمینه را برای تفکر و اندیشیدن در مورد خود و پیداکردن راه‌هایی برای بهتر شدن در تعاملات اجتماعی، مسئولیت پذیری و... در دانش‌آموز فراهم می‌کنند. گاهی تکالیف گروهی نیز اثرات بسیار خوبی در خود نظم‌دهی و هم نظم‌دهی دانش‌آموزان می‌گذارند.

"من اکثر اوقات بچه‌ها را ارجاع میدم به سمت تفکر و پژوهش. مثلا یک بار به اونا گفتم به مدت ۱ ماه روی رفتارهایی که در مورد افراد مختلف در مکان‌های مختلف می‌بینید دقیق بشید. هرکدومش که به نظرتون اشتباه اومد بنویسید و بعد احساستون را هم درمورد اون رفتار بنویسید. بعد فرض کنید اگر شما به جای اون فرد بودید چکار می‌کردید و دوست داشتید دیگران چه

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

رفتاری را از شما ببینن. بچه‌ها این فعالیت را در قالب یک تکلیف یک ماهه به صورت دفترچه‌ای کوچک باید تهیه می‌کردن و در انتهای ماه به کلاس میاوردن" ۰مصاحبه شونده ۱۹).

بررسی داده‌ها مشخص کرد که بیشتر معلمان راهبردهایی را در رفتار و عملکرد خود خارج از فعالیت‌های مربوط به آموزش مطالب درسی به‌کار می‌برند، با این امید که بتوانند عادت به انجام کارهای صحیح برای خودنظم‌ده شدن را در دانش‌آموزان نهادینه کنند. یکی از این موارد مسئولیت دادن به دانش‌آموزان در کلاس است. مسئولیت باید جنبه‌های مختلف زیست محیطی، اجتماعی، تحصیلی، بهداشتی و... را دربرگیرد، متناسب با توانایی‌ها و تفاوت‌های فردی هر دانش‌آموز به او داده شود و چرخشی باشد. این مسئولیت‌ها دید دانش‌آموز را نسبت به وظایفی که دارد بازتر می‌کند و او را نیز مسئولیت پذیر می‌کند. توجه به این نکات و رعایت آن‌ها توسط معلمان، باعث خواهد شد که پرورش روحیه ی مسئولیت پذیری در دانش‌آموزان با موفقیت بیشتری همراه باشد.

"همه ی بچه‌ها در کلاس من مسئول هستند. هرکس به فراخور توانایی‌های خود مسئولیتی دارد. این مسئولیت‌ها شامل مواردی مثل نظافت دور سطل زباله، پاک کردن تخته، سرگرم کردن دانش‌آموزان بعد از هرزنگ تفریح تا زمانی که معلم به کلاس آید، نگاه کردن تکالیف دانش‌آموزان و... هستند و هرچند وقت یک بار هم بین دانش‌آموزان چرخش پیدا می‌کنند" (نامه ۱۰).

برخی از گفته‌های معلمان حاکی از واگذار کردن انتخاب اهداف یادگیری در بعضی از دروس به دانش‌آموزان و دریافت گزارش نظارت شخصی از آن‌ها بود که این دو موضوع، از نکات مهم در آموزش خودنظم‌دهی به دانش‌آموزان به شمار می‌روند. در ادامه به ترتیب، مصداق‌هایی که در داده‌ها به آن‌ها رسیدیم، آورده شده است.

"بعضی اوقات خصوصا در زنگ‌هایی که هدیه‌های آسمان یا مطالعات داریم، موضوعی را مطرح می کنم و از بچه‌ها می‌خوام که روی یک تکه کاغذ هرچه برای یادگیری این موضوع نیاز هست را بنویسند. در واقع با اینکار از اونا میخوام که هدف‌های اون درس رو خودشون تدوین کنند و بعد درمورد اون اهداف به یک نظر کلی می‌رسیم.اونا میخوام که هدف‌های اون درس رو خودشون تدوین کنند و بعد درمورد اون اهداف به یک نظر کلی می‌رسیم" (مصاحبه شونده ۲۴).

"دانش‌آموزانم برای آزمون‌های مدارس تیزهوشان و ورود به پایهٔ هفتم، نگرانی زیادی داشتند. سعی کردم در طول پایه‌ی ششم بهشون یاد بدم که چطور روند پیشرفتشون رو بررسی و ارزیابی کنند. مثلا یکی از کارهایی که کردم این بود که ازشون خواستم برای میزان مطالعهٔ درس ریاضی، زمان‌هایی که وقتشون رو هدر میدن و نتیجه ای که در امتحانات کلاسی به دست میارن، یه نمودار تهیه کنن تا به صورت کاملا مصور متوجه بشن اینا چقدر میتونه باهم در ارتباط باشه. اینکار علاوه بر روشن ساختن اثرات این موارد برهم، انگیزه ی زیادی در بچه‌ها ایجاد می‌کرد تا

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

بیشتر تلاش کنند. درواقع خودشون رو مجبور کردم بر کارشون نظارت داشته باشند"(مصاحبه شونده ۱۳).

۲-۵) جهت دهی

آموزش برنامه ریزی، آموزش خودسنجی، آموزش تقویت شخصی، آموزش تکنیک‌های کنترل رفتار و غلبه بر خشم، ارتباط با والدین و آموزش به آن‌ها، ارجاع به مشاور و یا کمک گرفتن از مشاور

براساس شواهدی که از صحبت‌های مصاحبه شوندگان و نامه‌های سایرین به دست آمد، معلمان در فرآیند پرورش خودنظم‌دهی در دانش‌آموزان راهبردهای مختلفی را به کار می‌برند. برخی از آن‌ها، خصوصا معلمان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم، اذعان داشتند که آموزش برنامه ریزی به دانش‌آموزان را در دستور کار خود دارند. معلمان پایه‌های پایین‌تر نیز نکات جالبی را در آموزش برنامه ریزی به دانش‌آموزان ارائه دادند. که در ادامه گفته‌های مرتبط با این موضوع آورده شده است. پرواضح است که عادت دادن دانش‌آموزان به برنامه ریزی از همان بدو ورودشان به مدرسه و در مقطع ابتدایی، آن‌ها را افرادی منظم و خودنظم‌ده برای زندگی آینده بار می‌آورد. این برنامه ریزی می‌تواند در حوزه‌هایی همچون مطالعه و یادگیری، انجام کارهای شخصی، برنامه ریزی برای اوقات فراغت و مواردی از این دست باشد.

"در پایه ی ششم، بچه‌ها یک درس دارن به اسم برنامه ی متعادل. من از این درس بهره گرفتم و بهشون گفتم یک دایره را به ۲۴ قسمت تقسیم کنن و بعد بارنگ زدن قسمت‌ها مشخص کنن هرساعت چه کاری انجام میدن. یک برنامه ی دیگه هم مثل همین تنظیم کنن اما ساعت‌هاشو طبق یک برنامه ی ایده آل رنگ بزنن. در نهایت بچه‌ها این دوتا برنامه را میارن به کلاس و با همدیگه مقایسه می‌کنیم. اونوقت برای بهبود برنامه ی خودشون و بردنش به سمت برنامه ی ایده آل برنامه ریزی میکنن و برنامه ریزی‌هاشونم در یک دفتر ثبت می‌کنن و هر روز به من نشون میدن" (مصاحبه شونده ۱۹).

"من در پایه ی اول، همون ابتدای سال یک برگه به هرکدوم از والدین میدم که دراون کارهایی که باید بچه‌ها در خانه انجام بدن نوشته شده. از جزئی‌ترین کارها مثل پوست کندن میوه، بستن بند کفش تا نوشتن تکالیف به موقع، دیدن به‌اندازه ی تلویزیون و.... بدون اینکه دانش‌آموز متوجه بشه، مادرش موظفه در خانه به این موارد توجه کنه و هرکدامو که بچه درست انجام میده براش تیک بزنه" این برگه‌ها ماهانه جمع آوری میشن و امتیازهای بچه‌ها سرجمع میشه و بهترین‌ها تشویق میشن" (مصاحبه شونده ۲۳).

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

آموزش خودسنجی به دانش‌آموزان، از موارد دیگری بود که معلمان به آن اشاره داشتند. خودسنجی موجب نظارت بر کار خود و تلاش برای رفع نقص‌ها و بهبود آن می‌شود و از مفاهیمی‌آست که در ارتباط مستقیم با خودنظم‌دهی قرار دارد.

"در بیشتر آزمون‌هایی که از بچه‌ها می‌گیرم، خودسنجی میدارم. گاهی هم تصحیح بعضی املاها سرکلاس یا قضاوت کردن درمورد نقاشی را برعهده ی خود بچه‌ها میدارم تا هرکس درمورد کار خودش قضاوت کنه" (مصاحبه شونده۶).

برخی از معلمان اذعان داشتند اگر تلاش کنیم به دانش‌آموزان آموزش دهیم که در برنامه ریزیهایشان، جایی برای دادن پاداش به خود یا حتی تنبیه درنظر بگیرند، توانایی بیشتری در خودنظم‌دهی کسب می‌کنند. این گفته‌ها به نوعی بیانگر آموزش تقویت شخصی به دانش‌آموزان است که در متون علمی و در بحث آموزش خودنظم‌دهی نیز به آن اشاره شده است.

"تلاش میکنم به دانش‌آموزانم یاد بدم که قرار نیست همیشه از طرف پدر و مادر یا معلم به خاطر درس خوندن و موفقیتشون تشویق دریافت کنند. بهشون یاد میدم که خودشونو تشویق یا حتی تنبیه کنن. مثلا بهشون میگم روی یک کاغذ بنویسید و با خودتون قرار بذارید که مثلا اگر دو ساعت درس بخونم بعدش اجازه دارم برم دوچرخه سواری. یا اگر امتحان این هفتمو خوب بدم اونوقت میتونم با پول تو جیبیام یه عروسک برای خودم بخرم. حتی بهشون میگم اگه یک روز بازیگوشی‌کردید و مثلا تکالیفتون رو کامل انجام ندادید حتما خودتونو از دیدن تلویزیون محروم کنید"(مصاحبه شونده ۵).

یکی از مباحث مرتبط با خودنظم‌دهی، مربوط به چگونگی برخورد با دانش‌آموزان پرخاشگر یا ناسازگار و کمک کردن به آن‌ها در جهت کنترل رفتارها و گفتارهایشان و نظارت بر خود است. معلمان برای کمک به بهبود خودنظم‌دهی درچنین دانش‌آموزانی راه حل‌هایی را نام بردند که درکلاس مورداستفاده قرار می‌دهند. چیزی که بیشتر از همه در گفته‌های معلمان به چشم می‌خورد، برقراری ارتباط کلامی، عاطفی و محترمانه با دانش‌آموز و عمدتا خصوصی با اوست. به نظر بسیاری از آن‌ها این راه حل مفید بوده و نتایج آن را بارها به چشم دیده‌اند. برخی معلمان نیز در کلاسشان تکنیک‌هایی را به دانش‌آموزان آموزش می‌دادند که به آن‌ها در هنگام عصبانیت کمک می‌کند. برخی از تکنیک‌های معلمان نیز در جهت افزایش خودباوری و خودکارآمدی در دانش‌آموزان بود که شامل نشان دادن فیلم‌های انگیزشی به آن‌ها، انجام آزمایش‌های عینی و تکرار روزانه ی جملات مثبت با خود بود. معلمان معتقد بودند در برخی از موارد اگر دانش و فرصت معلم اجازه ی تنظیم رفتار و برقراری تعادل

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

در دانش‌آموز را نمی‌دهد، باید سریعا او را به اهل فنش یعنی مشاور ارجاع داد تا مشکل ریشه یابی و حل شود. ارتباط با والدین و ریشه یابی مشکلات، از دیدگاه بسیاری از معلمان قدم بسیار مهمی در فرآیند پرورش خودنظم‌دهی در دانش‌آموزانیست که نیازهای ویژه دارند.

به نظر می‌رسد اگر معلمان، به منظور توسعه ی حرفه ای، به فراگیری تکنیک‌های مختلف برای ارتباط با دانش‌آموزان و آموزش به آن‌ها اقدام کنند، در برخورد با مشکلات تربیتی به طور مؤثرتر و صحیح تری اقدام خواهند کرد. کمک گرفتن از مشاور نیز از برنامه‌هایی است که توجه به آن، کمک شایان توجهی به دانش‌آموزان مشکل دار خواهد کرد.

"دانش‌آموز ناسازگار را بارها در طول خدمتم داشتم. من همیشه با دانش‌آموزام خیلی صحبت میکنم. ما نباید فکر کنیم بچه‌ها چیزی متوجه نمیشن. اتفاقا اونا خیلی هم خوب حرفای مارا متوجه میشن، مخصوصا وقتی که با اونا محترمانه و مهربانانه صحبت کنیم، حس خوب حرفامون بهشون منتقل میشه و اونارا وادار به تفکر میکنه. به دور از سرزنش در جمع، با دانش‌آموزی که در رفتارش مشکل داره و نیاز داره که کنترل بیشتر بر خودش داشته باشه، صحبت‌های خصوصی کنیم. مطمئن باشیم نتیجش را می‌بینیم" (مصاحبه شونده ۱۳).

"به دانش‌آموزایی که عصبی هستن همیشه میگم وقتی از چیزی عصبانی میشید سه تا نفس عمیق بکشید یا از شماره ۱۰ به آرامی شروع کنید بشمرید تا برسید به شماره ی ۱ یا اینکه بلافاصله یه صلوات بفرستید. اینجور تکنیک‌ها را معمولا بهشون یاد میدم و باهاشون تمرین می‌کنم" (مصاحبه شونده ۱۹).

"یه بار به دانش‌آموزام فیلم تأثیر حرف‌ها بر شکل مولکول‌های آب را نشان دادم. بعد برای اینکه مسئله براشون بازتر و عینی‌تر بشه و بهشون ثابت بشه که حرف‌های ما چقدر روی عملکرد ما و تفکر ما تأثیر میذاره بهشون یه آزمایش دادم. گفتم برن دوتا ظرف را روی شعله ی گاز کاملا استریل کنن و یه پرتقال را نصف کنن و نصفش را در یک ظرف و نصفش دیگشو در اون ظرف دیگه قرار بدن. بعد هم روی یکی از ظرف‌ها جملات مثبت و روی دیگری جملات منفی بنویسن و بذارن در یک دمای مشخص در اتاقی چند روز بمونه. جالبه که یکی از بچه‌ها که این آزمایش را کاملا درست انجام داده بود در کمال ناباوری ظرف‌ها را بعد از چند روز آورد و ما همه دیدیم که ظرفی که جملات مثبت روش نوشته بوده پرتقالش سالم بود و اون ظرف دیگه پرتقالش کپک زده بود. اینجوری کاملا به همه ی بچه‌ها ثابت شد که تأثیر گفتار بر مغز و عملکرد ما چقدر زیاد و واضحه. چون بچه‌ها در مرحله ی عینی هستن باید یه سری مفاهیم را اینطوری بهشون ثابت کنیم. بعد از اون روز با بچه‌ها قرار گذاشتیم که هر روز چندتا جمله ی مثبت را با هم تکرار کنیم و من این تکنیک را بهشون یاد دادم" (مصاحبه شونده ۱۲)

"وقتی دانش‌آموزی را در کلاسم می‌بینم که دچار مشکل رفتاری در ارتباط با بقیه‌اس یا بی نظمه یا به حرفای من گوش نمیده، اول از همه سعی می‌کنم ببینم مشکل خونوادگی داره یا نه. اول ریشه‌یابی میکنم. بعد اگر از دستم ساخته باشه تا حدامکان بهش کمک می‌کنم وگرنه با خانوادش

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

ارتباط می‌گیرم و راضیشون می‌کنم که بفرستنش پیش مشاور و خودمم پیگیر کاراش میشم. گاهی ما معلما همه فوت وفن خودنظم‌ده بارآوردن این بچه‌ها را بلد نیستیم"(مصاحبه شونده ۴).

۳-۵) بازخورددهی

تشویق به موقع و به جا و مبتنی بر روش‌های علمی، محروم سازی، جریمه و جبران کردن

یک اصل مهم در خودنظم‌دهی این است که دانش‌آموز را به سمتی سوق‌دهیم که وابسته به تنبیه و تشویق بار نیاید و تقویت‌های او درونی شود. اما همواره در ابتدای کار بهتر آن است که تشویق و تنبیه وجود داشته باشد تا به رفتار دانش‌آموز جهت داده شود. در شواهد بدست آمده، معلمان درمورد تشویق معتقد بودند که باید متنوع و تا حدامکان در لحظه و بدون تعویق صورت گیرد. اکثر راهبردهای مورد استفاده ی آن‌ها در تشویق نیز، استفاده از تقویت کننده‌های معاوضه‌ای با برنامه‌های فاصله‌ای متغیر و نسبتی متغیر بود تا دانش‌آموزان برای کنترل رفتارها و انجام وظایفشان وابسته به آن‌ها نشوند. در تنبیه هم بیشتر از روش‌های محروم کردن و جریمه کردن استفاده می‌شد. اما به طورکلی همه ی معلم اذعان داشتند که امروزه نقش تنبیه در فرآیند خودنظم‌دهی دانش‌آموزان بسیار کمرنگ شده و آن هم به دلیل تأثیرات کم و گاهی نیز تأثیرات سوء آن در خودنظم‌دهی و کنترل رفتارهاست. برخی از معلمان نیز به این نکته اشاره کردند که اگر تلاش شود که تنبیه برای دانش‌آموز معنادار شود، اثر و نتیجه ی آن دوچندان خواهد شد. بنابراین استفاده از تشویق و تنبیه به جا، معنادار کردن آن‌ها برای دانش‌آموز و به کارگیری صحیح ترین و مناسب ترین شیوه‌های تشویق و تنبیه، می‌تواند گامی مهم در پرورش خودنظم‌دهی در دانش‌آموزان باشد.

"بیشتر تشویق‌های من بازخوردهای کلامی در لحظه هست. دانش‌آموزای من خیلی خوشحال میشن از اینکه در لحظه و در جمع تشویقشون کنم. خداروشکر نتیجشم دیدم. واقعا بچه‌ها انگیزه میگیرن" (مصاحبه شونده ۱).

"نمیشه همش بازخورد کلامی به بچه‌ها داد. اونا در مرحله ی عینی هستند. باید همه چیو ببینن، لمس کنن و در واقعیت دریافت کنند تا براشون تأثیر گذار باشه. این مسئله درمورد تشویق کردنشون هم صادقه. من خودم از راه‌های مختلفی استفاده می‌کنم، ستاره دادن، چک پول دادن و گاهی هم جایزه که معمولا با هزینه ی شخصیم تهیه می‌کنم. بچه‌ها به تشویق‌های متنوع نیاز دارن. اما هیچوقت بهشون نمیگم هرچندوقت یه بار یا در اثر انجام دادن چندتا کار درست ستاره یا جایزه می‌گیرن. این باعث میشه اونا تلاش کنن همیشه خوب باشن و عادت به خوب بودن در اونها کم کم نهادینه میشه" (مصاحبه شونده ۲۱).

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

"خیلی از معلم‌های ما نمی‌دانند که باید تنبیه را برای دانش‌آموز معنادار کنند. وقتی دقیقا برای دانش‌آموز مشخص کنیم که در ازای چه کاری چه بازخوردی را دریافت خواهد کرد و در عمل هم به او نشان‌دهیم، این امر موجب می‌شود که دانش‌آموز بیشتر حواسش به کارهایش باشد؛ چون برایش روشن شده که عاقبت کارش چیست. اینکه از فعالیتی لذت بخش محرومشون کنیم یا با فعالیتی هدفمند به جبران کارشون وادارشون کنیم، میتونه تاثیرات خوبی داشته باشه" (نامه ۸).

۴-۵) عرصه سازی

روش تدریس فعال و مشارکتی، قانون‌گذاری همه جانبه و قابل انعطاف

از گفته‌ها و نوشته‌های مشارکت کنندگان چنین یافته ای حاصل شد که هرکدام از معلمان که روش‌های تدریس فعال و مشارکتی را در پیش می‌گیرند، در پرورش دانش‌آموزان خودنظم‌ده موفق‌ترند. در روش‌های فعال تدریس، معلم از کارگروهی بسیار استفاده می‌کند. به دانش‌آموزان در فرآیند آموزش مسئولیت می‌دهد تا بخشی از تدریس را خودشان در قالب‌های متنوع و با ایده‌های خلاق به صورت نمایشی یا داستان گویی و... ارائه دهند. اگر آموزش، یادگیرنده محور باشد، یادگیرنده احساس اعتماد به نفس بیشتری پیدا می‌کند، به توانایی‌های خود آگاه می‌شود و مسئولیت پذیر و منظم بار می‌آید.

"بعضی از درس‌ها را که اهداف ساده‌تر و کوتاه‌تری دارن به بچه‌ها میدم تا برای تدریسش برنامه‌ریزی کنن. بعضی وقتا بچه‌ها رو گروه بندی میکنم تا هر گروه یه بخشی از درس را ارائه بده. بعضی گروه‌ها ایده‌های خلاقی دارن و از روش‌های مختلف مثل نمایش استفاده می‌کنن. بعضی وقت‌ها هم دانش‌آموزان را مسئول املا گفتن به هم می‌کنم" (مصاحبه شونده۲۴).

وضع قوانین و پیگیری آن‌ها در کلاس درس یکی دیگر از این موارد است. در کلاس بدون قانون، سنگ روی سنگ بند نمی‌شود و هرج و مرج زیاد می‌شود. معلمان از راهبردهای مختلفی برای قانون گذاری و پیگیری آن‌ها در جهت منظم و قانون مدار شدن دانش‌آموزان استفاده می‌کنند. به طورکلی قوانین نباید تنها معطوف به مسائل تحصیلی باشد، بلکه جنبه‌های رفتاری دانش‌آموز، مسائل زیست محیطی، بهداشتی و اجتماعی را نیز باید شامل شود. سهیم شدن دانش‌آموزان در وضع قوانین و قابلیت انعطاف داشتن، از دیگر مواردی بود که معلمان به اشاره کردند.

"اول سال که میشه به بچه‌ها می‌گم که هرکسی چندتا قانون را که به نظرش مهمه و باید در کلاس رعایت بشه روی کاغذ بنویسه و به من بده. درنهایت قوانین پیشنهادی همه خونده میشه و خودم هم چندتا قانون بهش اضافه می‌کنم و روی یه مقوا می‌نویسم و به کلاس نصب می‌کنم. برامم خیلی مهمه در این لیست قوانینمون همه جور قانونی باشه از سلام کردن به دیگران و تمیز

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

نگه داشتن زیرمیز و صندلی‌ها گرفته تا به موقع انجام دادن تکالیف و خوب درس خوندن و..." (مصاحبه شونده ۱۱).

" وقتی یه قانونی برای کلاسم میذارم خیلی برام مهمه که در تمام طول سال تحصیلی بهش توجه کنم. چون معتقدم اگر من جدی بگیرم بچه‌ها هم جدی می‌گیرن" (مصاحبه شونده ۱۴).

۵-۵) الهام بخشی

برقراری ارتباط کلامی، صمیمانه و محترمانه با دانش‌آموز، حمایت متعادل و انگیزه بخش

وجود ارتباط مؤثر بین معلم و دانش‌آموز، می‌تواند زمینه‌ساز تغییر و تحولات اساسی در پرورش و شکوفایی توانمندی‌های گوناگون در دانش‌آموزان باشد. مهارت خودنظم‌دهی هم از این قاعده مستثنی نیست. داده‌های حاصل از گفته‌های معلمان نیز بیانگر اهیمت و کاربرد ارتباط کلامی مؤثر در پرورش مهارت خودنظم‌دهی در دانش‌آموزان بود.

"من همیشه سعی می‌کنم دانش‌آموزم را انسانی فرض کنم که همه چیزو متوجه میشه و به این ترتیب تمام احساسات و امیال و افکارش برام قابل احترام و مهم جلوه میکنه.برای اینکار هم از قدرت کلام و صحبت کردن مداوم چه به صورت خصوصی چه به صورت گروهی استفاده میکنم و در حین این صحبت‌ها هم سعی میکنم متوجهشون کنم که خودشون مسئول تمام کارها و رفتارها و حرفاشون هستن. به همین دلیل دانش‌آموزانم یاد میگیرن که باید خودشون به تمام کاراشون نظم بدن"(مصاحبه شونده ۱۸).

"وقتی صمیمانه با دانش‌آموزانم حرف می‌زنم و طوری که متوجه می‌شوند که درکشان می‌کنم، خیلی راحتتر قوانین و توصیه‌های مرا می‌پذیردن و به‌آن‌ها عمل می‌کنند. انگار که با منظم بودنشان متقابلا به من احترام می‌گذارند و اینکار کم کم به صورت یک عادت مطلوب برایشان درمی‌آید" (نامه ۶).

در سبک تعاملی معلم با دانش‌آموز، نقش حمایتی او، که موجب درک دوستانه و همدلانهٔ دانش‌آموزان می‌شود، موجب تقویت فرآیند یاددهی- یادگیری شده و تأثیرات شیان توجهی بر دانش‌آموزان می‌گذارد. این امر در پرورش خودنظم‌دهی در دانش‌آموزان نیز می‌تواند نقش مؤثری ایفا کند که گفته‌های معلمان نیز حاکی از آن بود.

"وقتی دانش‌آموزان قوی در کلاسم موفقیتی کسب میکنن، خیلی تشویقشون میکنم اما نه به این معنا که این موفقیت رو مدام به بقیه‌ی فعالیت‌های کلاسی هم ربط بدم و هر مسئولیت یا امتیازی رو فقط به اونا بدم. از طرفی وقتی دانش‌آموز ضعیفی هم دارم که مدام شکست میخوره، از همه امتیازها محرومش نمیکنم. معتقدم یه حد تعادلی در ارتباط با هر نوع بچه‌ای باید درنظر گرفته

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

بشه تا هیچ دانش‌آموزی نه احساس کنه خیلی تنهاست و پشتش خالیه در کلاس، نه احساس کنه همیشه در صدر باشه. چنین جوی حس امنیت رو در بچه‌ها بالا میبره و باعث میشه باانگیزهٔ بیشتری مقید و منظم در فعالیت‌های کلاسی باشن"(مصاحبه شونده ۱۶).

۶- پیامدها در فرآیند پرورش دانش‌آموزان خودنظم‌ده در مدارس ابتدایی

۱-۶) پیامدهای‌تربیتی خودنظم‌دهی

خودنظم‌دهی، خودکنترلی: تقویت درونی،، تعاملات اجتماعی، خودکارآمدی: مسئولیت پذیری، نظم، خودباوری: عزت نفس، خودسنجی: تفکر انتقادی

اصلی‌ترین پیامدی که در این فرآیند انتظار می‌رود، بروز یا تقویت خودنظم‌دهی در دانش‌آموزان است. اما از آن جایی که این مفهوم، مفهومی عام و کلی است، پیامدهایی که تشکیل دهنده ی این مفهوم هستند را از گفته‌ها و نوشته‌های معلمان در قالب مفاهیم علمی‌آن‌ها استخراج کرده و عرضه می‌کنیم. خودکنترلی وقتی صورت می‌گیرد که فرد بر تقویت کننده‌های دورنی اش بیش از تقویت کننده بیرونی توجه داشته باشد و حتی در غیاب تقویت کننده‌های بیرونی بتواند در شرایط مختلف و تعاملات اجتماعی گوناگون که قرار می‌گیرد رفتارش را کنترل کند. مفاهیم خودکارآمدی، خودباوری و خودسنجی نیز در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر قرار دارند و خودنظم‌دهی موجب تقویت یا پرورش هریک از آن‌ها در فرد می‌شود. فرد خودکارآمد از رفتار و عملکرد خود در شرایط مختلف تصور درستی دارد و همین امر او را در تصمیم گیری و برنامه ریزی بهتر، جاری ساختن نظم بیشتر در کارها و افزایش مسئولیت پذیری، برای رسیدن به موفقیت یاری می‌دهد. این موضوع به مقدار زیادی از روحیه ی خودباوری یا عزت نفس نیز نشأت می‌گیرد. درواقع می‌توان گفت هم عزت نفس موجب توانمندی در خودنظم‌دهی می‌شود هم خودنظم‌دهی موجب افزایش عزت نفس در افراد می‌گردد و این مفاهیم می‌توانند علت و معلول یکدیگر باشند. خودسنجی نیز از آن دست مفاهیمی‌آست که به عنوان پیامدی از فرآیند خودنظم‌دهی در فرد ظاهر می‌شود. اگر در فرآیند خودنظم‌دهی، برای پرورش تفکر انتقادی در دانش‌آموزان تلاش کنیم، به آن‌ها کمک کرده‌ایم که یادبگیرند چگونه ویژگی‌های خود را در معرض سنجش قراردهند و با بدست آوردن شناختی صحیح از توانایی‌ها و کمبودهای خود برای رشد دادن خود در جهت رسیدن به موفقیت تلاش کنند.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

"بعد از اینکه اون آزمایش پرتقال را در کلاس بچه‌ها به چشم دیدن (رجوع به گفته‌های مصاحبه شونده ۱۲ در راهبردهای پرورشی) اکثرشون واقعا متحول شدن. دانش‌آموزی داشتم که همش از نمیتونم و نمیدونم و این واژه‌ها استفاده می‌کرد. وقتی متوجه شد که داره با این جملات چی به سر سلول‌های بدنش میاره از اون روز دیگه این کلمه‌ها را ازش نشنیدم. الان که دیگه آخرای سال تحصیلی هست واقعا درک میکنم که چقدر عزت نفسش بالا رفته و به توانایی‌هاش مطمئن شده" (مصاحبه شونده ۱۲).

"همیشه موقع تدریسم به بچه‌ها میگم هر سوالی که به ذهنتون میرسه را بپرسید و از هیچکس خجالت نکشید حتی اگر سؤالتون اشتباه باشه از نظر من باز هم ارزشمنده. بهشون گفتم که برای به هم نریختن نظم کلاس سؤالاتتون را یادداشت کنید که از یادتون نره و در وقت مناسب به همش پاسخ میدم. دانش‌آموزی داشتم که خیلی با استعداد بود اما اوایل سال خیلی در کلاس صحبت نمی‌کرد. وقتی با صحبت‌های من در کلاس این اطمینان را پیدا کرد که میتونه آزادانه حرفاشو بزنه، بعد از یه مدت هرموقع که درس میدادم سؤالات خیلی جالب و گاهی انتقادی میپرسید و منم در جمع بسیار تشویقش می‌کردم. تازه فهمیدم چقدر این بچه تواناست. اواخر سال تحصیلی به حدی رسیده بود که کارای من و دوستاش و حتی خودش را خیلی قشنگ نقد می‌کرد و من واقعا لذت می‌بردم. کاش ما معلما بتونیم تفکر انتقادی را در همه ی بچه‌ها تقویت کنیم چون به نظرم همین تفکر انتقادیه که در جامعه ی امروز خیلی به درد ما میخوره" (مصاحبه شونده ۸).

۲-۶) پیامدهای تحصیلی خودنظم‌دهی

تقویت توانایی‌های شناختی و فراشناختی برای پیشرفت تحصیلی و رسیدن به موفقیت

توانایی‌های شناختی آن دسته از فرآیندهای درونی ذهنی هستند که به ما کمک می‌کنند مسائل را درک کنیم و عمدتا می‌توان گفت شامل تفکر و حل مسئله هستند. توانایی‌های فراشناختی فرآیندهایی هستند که فرد به کمک آن‌ها، در جریان تفکر یا حل مسئله، مدام بر خود نظارت می‌کند تا از نقاط قوت و ضعف خود آگاه شود و برای پیشرفت در یادگیری تلاش کند. تقویت این دو دسته از توانایی‌ها در دانش‌آموزان موجب می‌شود که در یادگیری مطالب درسی پیشرفت کرده و به موفقیت نایل شوند. پیشرفت و موفقیتی که ریشه در پرورش خودنظم‌دهی در آن‌ها خواهد داشت. از این رو معلمان با به کارگیری راهبردهای مختلف شناختی و فراشناختی و آموزش و تمرین آن‌ها با دانش‌آموزان، می‌توانند موجب تقویت توانایی‌های شناختی و فراشناختی در دانش‌آموزان شوند. بخش عمده ی این راهبردها از قبیل برنامه ریزی در بخش راهبردها در فرآیند پرورش دانش‌آموزان خودنظم‌ده در مدارس ابتدایی، ذکر شد. در داده‌های حاصل از معلمان نیز، یکی از عوامل مهم در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، تقویت توانایی‌های شناختی و فراشناختی بود.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

"خیلی از دانش‌آموزان امروزی اصلا نمیدونن که باید چه جوری درس بخونن تا موفق بشن. من هرسال وارد هرکلاسی که میشم اول به بچه‌ها یاد میدم که همه چیز تکلیف نوشتن نیست. شما باید هر روز ساعت مشخصی را هم به خواندن و فکر کردن درمورد مطالب درسی و تجزیه و تحلیل اونا اختصاص بدید تا درس را به خوبی درک کنید. همیشه هم بهشون تأکید میکنم که دانش‌آموزی موفقه که برای خودش برنامه داشته باشه. پارسال یکی از دانش‌آموزام هم دراملا هم در روانخوانی مشکلات زیادی داشت. وقتی راهنماییش کردم بعد از یه مدت دیدم هر روز زنگای تفریح کتاب فارسیش دستشه داره روخوانی میکنه. یک روز درمیون هم برای من املایی که مامانش شب قبل ازش گرفته بود را میاورد و مدام داشت خودش را با قبل مقایسه می‌کرد که ببینه چقد پیشرفت کرده و هنوز باید چقد دیگه تلاش کنه. خداروشکر تا پایان سال من پیشرفت تحصیلی را در این دانش‌آموز به وضوح دیدم" (مصاحبه شونده ۱۶).

بخش دوم:

تکوین نظریه (کدگذاری گزینشی) در پژوهش فرآیند پرورش دانش‌آموزان خودنظم‌ده در مدارس ابتدایی

در این مرحله، با برقراری ارتباط بین مقوله‌های به دست آمده از داده‌ها و یادداشت‌های فنی پژوهشگر، الگوی تجسمی فرآیند به شکل زیر تدوین یافت که ارتباط میان تمامی موارد مذکور، در نهایت به تکوین نظریه ی میانی در این پژوهش منجر شد. گزاره‌های حاصل به شرح زیر است:

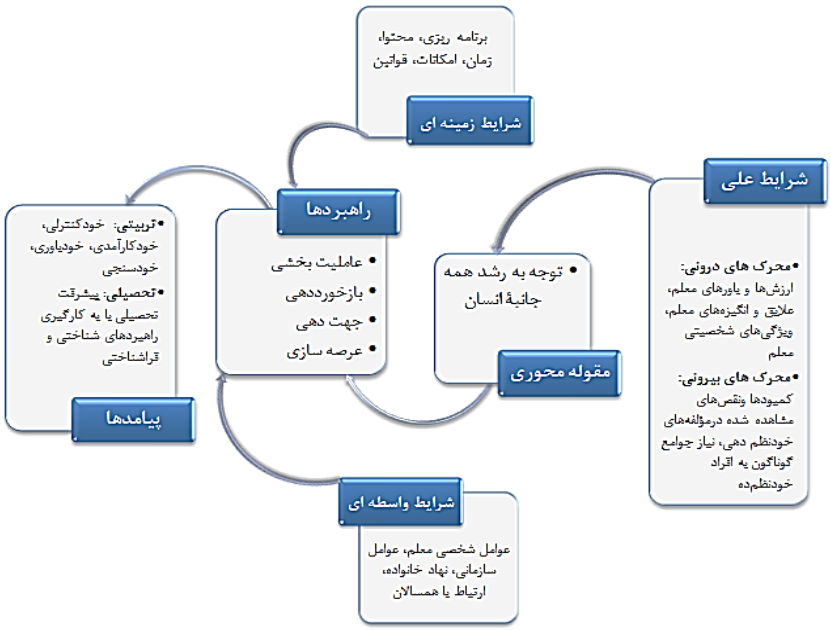
۱- در فرآیند پرورش دانش‌آموزان خودنظم‌ده در مدارس ابتدایی، محرک‌های درونی و بیرونی برای معلم موجب توجه هرچه بیشتر او به مسئولیت انسانیش در شغل معلمی و توأم کردن لحظات شغلیش با یاد خدا می‌شود که برآیند این توجهات، توجه هرچه بیشتر به رشد همه جانبه ی انسان (دانش‌آموز) به عنوان اشرف مخلوقات است. این محرک‌های درونی ارزش‌ها و باورها، انگیزه‌ها و علایق و ویژگی‌های شخصیتی معلم هستند که در اثر همگام شدن با محرک‌های بیرونی که شامل کمبودها و نقص‌های مشاهده شده درمورد مؤلفه‌های خودنظم‌دهی در دانش‌آموزان امروزی و نیاز جوامع گوناگون به افراد خودنظم‌ده، هستند، اصلی‌ترین علل به وجود آمدن رغبت در معلمان به پرورش خودنظم‌دهی در دانش‌آموزان می‌شوند.

۲- شرایط زمینه‌ای که نظام آموزش و پرورش آن‌ها را فراهم می‌کند، همراه با تأثیر شرایط واسطه‌ای که در فرآیند پرورش دانش‌آموزان خودنظم‌ده به آن افزوده می‌شوند، همه و همه موجب می‌شوند که معلم به عنوان اثرگذارترین فرد در این فرآیند، موضع خود را مشخص کرده و تعیین کند که چه راهبردهای آموزشی و پرورشی را و به چه میزان و در چه سطحی برای پرورش دانش‌آموزان خودنظم‌ده به کار برد. برنامه ریزی درمورد نیروی

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

انسانی، محتوا، امکانات، زمان و قوانین، در بستر نظام تعلیم وتربیت با تأثیرپذیری از عوامل شخصی معلم، عوامل سازمانی، نهاد خانواده و اجتماع همسالان، تعیین کننده ی رویکردیست که معلم برای پرورش دانش‌آموزان خودنظم‌ده درمدارس ابتدایی در پیش می‌گیرد.

۳- زمانی که معلمان با هدف پرورش و تقویت خودنظم‌دهی در دانش‌آموزان، راهبردهایی را مورد استفاده قرار می‌دهند که موجب عرصه‌سازی برای دانش‌آموزان (روش تدریس فعال، قانون‌گذاری)، عاملیت بخشی به آن‌ها (مسئولیت دادن به دانش آموز، واگذاری انتخاب اهداف یادگیری به دانش آموز، دریافت گزارش نظارت شخصی، تکالیف مهارت محور) جهت‌دهی به آن‌ها (آموزش برنامه ریزی، آموزش خودسنجی، آموزش تقویت شخصی، آموزش تکنیک‌های کنترل رفتار و غلبه بر خشم، ارتباط با والدین و آموزش به آن‌ها، ارجاع به مشاور و یا کمک گرفتن از مشاور)، بازخورددهی به آن‌ها (تشویق و تنبیه) و الهام بخشی به آن‌ها (برقراری ارتباط کلامی، صمیمانه و محترمانه با دانش‌آموز، حمایت متعادل و انگیزه بخش) می‌شود، به دانش‌آموزان کمک می‌کنند که با تقویت توانایی‌های شناختی و فراشناختی‌شان و استفاده ی مؤثر از آن‌ها، پیشرفت و موفقیت تحصیلی را برای خود رقم بزنند. همچنین موجب می‌شوند که دانش‌آموزانی خودباور، خودکنترل و خودکارآمد تربیت شوند که بتوانند در زندگی فردی و اجتماعی خود به عنوان فردی خودنظم‌ده به اهداف خود رسیده و موفقیتی همه جانبه را برای خود رقم بزنند.



شکل ۲. الگوی پارادایمی فرآیند پرورش دانش‌آموزان خودنظم‌ده در مدارس ابتدایی

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

نتیجه‌گیری

با بررسی و تحلیل کامل داده‌های بدست آمده از گفته‌های مصاحبه شوندگان و نوشته‌های موجود در نامه‌ها، ۳ مقوله ی کلی تحت عنوان "زیرساخت‌های برانگیزاننده، برنامه‌ریزی شده و تأثیرگذار"، "روش‌ها و اقدامات" و "نتایج"، ۱۹ زیر مقوله و ۴۸ کد اولیه حاصل شد. مقوله ی محوری در این پژوهش "توجه به رشد همه جانبه ی انسان " است که تمامی مقوله‌های دیگر به نحوی با آن در ارتباطند.

در فرآیند پرورش خودنظم‌دهی در دانش‌آموزان، تمامی‌اجزا و عوامل انسانی و غیر انسانی از بالاترین نقطه ی هرم نظام آموزش و پرورش تا پایین‌ترین نقطه ی آن مسئول و مؤثرند. اما به دلیل گستردگی این طیف وسیع، این پژوهش با تأکید بر نقش معلمان به انجام رسیده است. احمدخانی (۱۳۹۸) اذعان دارد که در سیستم‌های آموزشی افراد زیادی مشغول به کارند و فعالیت‌های آن‌ها به طور مستقیم یا غیرمستقیم در تربیت دانش‌آموزان یا دانشجویان مؤثر است. اما در این میان، قشر معلم از دیگر افراد برجسته می‌نماید؛ چنان که بیشتر اوقات را دانش‌آموزان در مدرسه سپری می‌کنند و عوامل دیگر هم فراهم آورنده ی زمینه برای فعالیت معلم‌ها و اساتید هستند و از این رو بسیاری از دانش آموختگان نظام‌های سنتی و جدید، شکل گیری شخصیت خود را مرهون معلمان خود دانسته اند.

معلم به عنوان تأثیرگذارترین فردی که در مدرسه از طریق ارتباط مستقیم با دانش‌آموز می‌تواند بر فرآیند پرورش خودنظم‌دهی در او مؤثر باشد، اگر همواره حضور خدا را درکنار خود احساس کند و او را شاهد و ناظر بر کارهایش ببیند، خود را متعهد خواهد کرد که به رسالت معلمی‌اش به صورت همه جانبه تحقق بخشد. شهید ثانی اظهار می‌دارد که معلم از لحظه ی خروج از منزل، حضور در کلاس و جریان درس، همواره باید یاد خدا را در دل خود و شاگردانش زنده نگه دارد تا هدف اصلی یعنی قرب به خدا و پالایش روح از آلودگی‌ها هرگز فراموش نشود (ریاضی، میرزا محمدی و ایمانی ، ۱۳۹۸). این امر موجب توجه همه جانبه به شخصیت دانش‌آموز به عنوان یک انسان نیز می‌شود. وقتی معلم این نگاه را در شغل خود جاری می‌سازد، تلاش او بر این خواهد بود که دانش‌آموزانش را طوری پرورش دهد که هرکدام از آن‌ها با شناسایی توانایی‌هایشان و رشد آن توانایی‌ها، درست‌ترین و بهترین مسیر را در زندگی دنیوی خود انتخاب کنند و در آن به پیش روند؛ به طوری که سعادت و رستگاری دنیا و آخرت را برای خود به ارمغان آورند. در نظام آموزش و پرورش، واژه‌های تعلیم و تربیت از

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

لحاظ مفهومی تفاوت‌هایی دارند. در تعلیم بیشتر با یک بعد از ابعاد وجودی انسان، یعنی بعد شناختی و عقلانی او سروکار داریم و هدف اصلی در آن، انتقال معلومات است اما در تربیت، هدف، رشد دادن و شکوفایی همه قابلیت‌ها و توانایی‌های بالقوه انسان است و مفهومی فراگیر و همه جانبه دارد. بنابراین معلم باید در کنار تعلیم، برای تربیت دانش‌آموزان هم برنامه ریزی کند (اسدبیگی، شریعت پناهی و کاظمی، ۱۳۹۸).

اسلام با دید همه جانبه ای که به انسان دارد، پرورش تمام ابعاد وجودی انسان را در نظر گرفته است. چون اهداف آموزش در اسلام باتوجه به ابعاد و شخصیت انسان گوناگون است، پس از تمام روش‌ها در رشد و شخصیت انسان کامل استفاده می‌شود (فرج زاده و سرمدی، ۱۳۹۸). خودنظم‌دهی یکی از شاخصه‌هایی است که ارتباط مستقیمی‌با این فرآیند دارد و از آن دسته توانایی‌هاست که هر انسانی از بدو ورودش به فضای آموزشی و چه بسا قبل از آن در محیط خانواده نیز باید کسب کند و مدام در حال تقویت و پرورش آن باشد؛ چراکه همین تواناییست که به فرد جرئت، جسارت و قدرت درست زندگی کردن را می‌دهد. از طرفی رسالت نظام آموزش و پرورش، تربیت نسل‌هایی برای آینده ای است که به مراتب پیچیده تر و متحول تر از وضع موجود خواهد بود. بنابراین با داشتن ارکان اساسی همچون معلم، بستری است که تأثیر قابل توجهی بر جامعه پذیری انسان‌ها، شکل گیری شخصیت و ایفای نقش اجتماعی آن‌ها دارد (پورشافعی، ایوبی، اکبری و حسینی، ۱۳۹۴). آن چه در فرآیند آموزش و یادگیری مهم و باارزش است، ذخیره سازی مفاهیم علمی در حافظه نیست، بلکه تربیت نیروی انسانی است که با خودباوری، اعتماد به نفس، خود مدیریتی و خودتنظیمی به سمت تغییر و تحول مثبت و رشد دهنده سوق داده شود. بنابراین نظام‌های آموزشی با دیدگاهی کل نگر نه تک بعدی به دانش آموز، باید در جهت تقویت احساس، مهارت و تفکر گام بردارند (شعبانی، ۱۳۹۳).

علاوه بر موردی که به عنوان مقوله ی محوری بیان شد، ارزش‌ها و باورهای معلم، علایق و انگیزه‌های او و ویژگی‌های شخصیتی اش به عنوان نیرو محرکه‌های درونی عمل خواهند کرد تا معلم را به سمت خودنظم‌ده بارآوردن دانش‌آموزان سوق دهند. گاهی نیرو محرکه‌های بیرونی هم به کمک می‌آیند تا معلم بیش از پیش احساس کند که اهمیت دادن به پرورش خودنظم‌دهی در دانش‌آموزان را باید جدی بگیرد. این نیرو محرکه‌ها ممکن است در اثر مشاهده ی دانش‌آموزانی که توانایی خودنظم‌دهی بالایی ندارند و با مشکلات ناشی از آن دست و پنجه نرم می‌کنند و یا درک این موضوع که جوامع امروزی به دلیل گستردگی و پیچیدگی کارها به

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

افراد خودنظم‌ده نیاز دارند، به وجود آیند. پس از آنکه معلم تصمیم گرفت تا در فرآیند پرورش دانش‌آموزان خودنظم‌ده قدم بگذارد، زیرساخت‌های زمینه‌ای به کمک او می‌آیند. بسیاری از این زیرساخت‌ها از ابتدا اهدافی که مشتمل بر خودنظم‌ده کردن دانش‌آموزان است را دربردارند؛ همچون برنامه‌ریزی‌هایی که از سوی نظام آموزش و پرورش برای‌تربیت معلمان در نظر گرفته می‌شود یا محتوای درسی و غیردرسی که به مدارس عرضه می‌شود و در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد. معلم با بهره گیری صحیح از این محتوا و همچنین محتوایی که خود تولید می‌کند، امکانات و بودجه‌ای که صرف این کار می‌شود و قوانین جامع رسمی و هنجارهای غیر رسمی درون مدرسه‌ای که وضع می‌شود، در مدت زمانی که در اختیار اوست، تلاش خواهد کرد تا شاخصه‌های خودنظم‌دهی را در دانش‌آموزان تقویت کند. حال ممکن است در این میان به دلیل مسائلی که در زندگی شخصی با آن‌ها دست و پنجه نرم می‌کند، نتواند از همه ی توانایی‌های خود در این مسیر بهره گیرد. سن و سابقه ی خدمت نیز از دیگر عواملی است که خواه یا ناخواه در میزان رغبت و توان جسمی و روحی او برای پرداختن به مسائل پرورشی دانش‌آموزان تأثیر گذار خواهد بود. میزان تحصیلات و اهل مطالعه بودن نیز از دیگر عواملی است که هرچه در معلم بیشتر باشد، در مسیر خودنظم‌ده کردن دانش‌آموزان ذهن آن‌ها را بارورتر و نگرش آن‌ها را عمیق‌تر خواهد کرد. در کنار عواملی که ذکر شد، ازسوی سازمان نیز مواردی ممکن است مداخله گر باشند. برای مثال جو حمایتی و تشویقی مدرسه و همکاری مدیر با معلم و اهمیت دادن به تسهیلات ویژه ی معلمان و بالاخص درآمد آن‌ها، رغبت آن‌ها را در این مسیر افزایش خواهد داد. معمولا بین انتظارات نقش معلمی و نیازها و خواسته‌های معلمان تضادهایی وجود دارد.

لذا معلمان با چالش‌های متعددی رو به رو هستند. از جمله حقوق و دستمزد کم، حجم کار سنگین، ساعات کار طولانی، سوء رفتار دانش‌آموزان، افت تحصیلی دانش‌آموزان و عدم پشتیبانی مدیر که همه ی این عوامل استرس زا، منجر به احساس بی کفایتی، کاهش عزت نفس، نارضایتی شغلی، فرسودگی شغلی و... می‌شوند و از کیفیت کار معلم می‌کاهند (ساداتی فیروزآبادی و نورانی کوتنایی، ۱۳۹۵). نهاد خانواده با نقش‌تربیتی و نظارتی خود و اجتماع همسالان نیز، که تقلید پذیری در هردوی این موارد توسط دانش‌آموزان امریست قطعی و مسلم، نقش بسیار مهم و به سزایی را در خودنظم‌ده شدن دانش‌آموزان ایفا می‌کنند. با درنظر گرفتن تمامی عوامل زمینه‌ای و واسطه‌ای مذکور، نگاهی عمیق و همه جانبه نسبت به فرآیند خودنظم‌دهی شکل می‌گیرد.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

پس از آن معلم می‌تواند به فاز اجرایی این قضیه وارد شود و راهبردهای مختلفی را در دستور کار خود قرار دهد. این راهبردها در چهار مقولهٔ مهم می‌تواند دسته‌بندی شود. در مقولهٔ عاملیت بخشی به دانش‌آموز، ارائه ی تکالیف مهارت محور و مسئولیت دادن به دانش‌آموزان بیشترین راهبردهای مورد استفادهٔ معلمان است. در مقولهٔ جهت‌دهی به دانش‌آموزان، آموزش برنامه‌ریزی، خودسنجی و تقویت شخصی، ارتباط با مشاور و والدین و آموزش فنون کنترل رفتار از جمله پرکاربردترین راهبردهای آموزشی معلمان است. در مقولهٔ بازخورددهی، تشویق به موقع و به جا و مبتنی بر روش‌های علمی، محروم سازی، جریمه و جبران کردن از دیدگاه معلمان بسیار حائز اهمیت بود. در مقولهٔ عرصه سازی برای دانش‌آموزان، بیشتر معلمان به روش تدریس فعال و مشارکتی و قانون‌گذاری همه جانبه و قابل انعطاف اشاره داشتند. در مقولهٔ الهام بخشی نیز، آنچه که از گفته‌های معلمان استخراج شد، لزوم پرداختن به ارتباط کلامی مناسب و صمیمانه همراه با حمایت متعادل و انگیزه بخش بودکه باتوجه به چهارچوب اصلی خودنظم‌دهی، حالاتی چون؛ شادی و غم، شجاعت و ترس و خودکم بینی، ریشه در احساسات انسان‌ها دارند. این احساسات، محرکی برای تعامل ما با محیط پیرامونمان هستند که اگر از تعادل مناسبی برخوردار باشند، سبب تصمیم گیری درست و منطقی در مشکلات زندگی می‌شوند و موفقیت را در انجام کارهای تحصیلی و غیرتحصیلی به دنبال دارند (عباسی و توقی، ۱۳۹۷) و اینجاست که اهمیت راهبرد الهام بخشی آشکار می‌شود.

پس از به کارگیری راهبردهای مناسب توسط معلمان و پیگیری و نظارت مداوم آن‌ها بر دانش‌آموزان و از همه مهم‌تر با درنظر گرفتن تفاوت‌های فردی، نتایجی در طول زمان به دست خواهد آمد که معرف شاخصه‌هایی از خودنظم‌دهی است. خودکارآمد شدن و خودکنترل شدن دانش‌آموزان، با مسئولیت پذیری و منظم شدن آن‌ها همراه خواهد بود. شهیدی و نوربخش (۱۳۹۴) در تبیین یافته‌های خود به این نتیجه رسیدند که معلمان و مسئولان آموزشی می‌توانند با آموزش صحیح در محیط مدرسه، جهت استقلال افراد در اولین فرصت ممکن، مسئولیت‌پذیری آن‌ها را در آینده افزایش داده و در نتیجه خودنظم‌دهی را که یکی از مهم‌ترین عوامل پیش بینی کننده ی موفقیت تحصیلی در محیط آموزشی است، افزایش دهند.

در این راستا تقویت خودباوری و عزت نفس نیز، علاوه بر تأثیرگذاری برهمه ی نتایج مذکور با تقویت مهارت تفکر انتقادی همگام می‌شود. انتظاری و فروزنده (۱۳۹۶) بیان می‌کنند که آموزش راهبردهای یادگیری

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

فراشناختی به دانش‌آموزان که یکی از مهم‌ترین آن‌ها راهبردهای خودنظم‌دهی است، یکی از عوامل پیشرفت تحصیلی و افزایش مهارت تفکر انتقادی است و هر جامعه ای برای رسیدن به رشد و شکوفایی، نیاز به افرادی دارد که دارای تفکر انتقادی بالایی باشند.

در بحث مربوط به امور تحصیلی نیز دانش‌آموزان یاد خواهند گرفت که چگونه از توانایی‌های شناختی و فراشناختی خود به درستی و بیشتر استفاده کنند که تمامی این موارد در نهایت به پیشرفت و موفقیت تحصیلی آن‌ها، موفقیت در تعاملات اجتماعی و پیروزی در مقابل چالش‌ها و مشکلات زندگی منجر خواهد شد که با یافته‌های اِدسا و همکاران، ۲۰۱۷؛ مرادی و همکاران، ۱۳۹۹ و کابینی مقدم و همکاران ،۱۳۹۸ در پیشینهٔ پژوهش در یک راستا است.

بسیاری دیگر از یافته‌های حاصل از این پژوهش با آنچه که در پیشینه ی پژوهشی بیان شد، همسو هستند. یکی از نتایج حاصل از این پژوهش این بود که استفاده از راهبردهای آموزشی توسط معلم، همچون تدریس فعال و مشارکتی و ارائه تکالیف هدفمند و پژوهش محور موجب می‌شود که دانش‌آموزان بر توانایی‌های شناختی و فراشناختی خود مسلط شوند و اعتماد به نفس آن‌ها افزایش یابد که تمامی این‌ها به پیشرفت و موفقیت تحصیلی آن‌ها می‌انجامد که با یافته‌های اهری و تختی پور (۱۳۹۴) نیز همسو بود. آن‌ها در پژوهش خود به این نتیجه رسیده بودند که هریک از ابعاد خودنظم‌دهی یادگیری، توانایی پیش بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را دارند و از این رو یشنهاداتی برای رشد خودتنظیمی در دانش‌آموزان، همچون؛ ایجاد کلاس‌هایی با شرایط مناسب برای یادگیری، طراحی تکالیف مناسب و... ارائه داده بودند. در پژوهشی دیگر،هادی (۱۳۹۵)، رابطه ی بین سبک مدیریت کلاس معلمان با یادگیری خودتنظیمی و پیشرفت تحصیلی را تأیید کرده بود که این نتیجه را نیز می‌توان در ارتباط با نتایج فوق و همسوی با آن‌ها در نظر گرفت. نتایج حسین خانزاده و همکارانش نیز (۱۳۹۶) با تمامی موارد مذکور مطابقت داشت. آن‌ها در پژوهش خود به این نتیجه رسیده بودند که خودنظم‌دهی به عنوان یک عامل متمایز کننده ی افراد از هم، نقش مهمی در یادگیری و پیشرفت تحصیلی ایفا می‌کند و به داشتن آرامش بیشتر و عملکرد تحصیلی بهتر در دوران ابتدایی کمک می‌کند.

در بخشی از یافته‌های حاصل از این پژوهش، برخی از معلمان به این موضوع اشاره کرده بودند که منتقد بارآوردن دانش‌آموزان، توانایی خودسنجی را در آن‌ها افزایش می‌دهد و خودسنجی یکی از ابعاد خودنظم‌دهی

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

است که فرد را برای موفقیت در زندگی فردی و اجتماعی آماده می‌کند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش شیخ الاسلامی (۱۳۹۵) هماهنگ بود. او نشان داد که به طورکلی آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی در افزایش خودنظم‌دهی دانش‌آموزان تأثیر به سزایی دارد.

در بررسی داده‌های حاصل از این پژوهش، برخی از معلمان اذعان داشتند که برای پرورش مهارت‌های زندگی فردی و اجتماعی در دانش‌آموزان، اقداماتی را انجام می‌دهند، اما به دلیل کمبود امکاناتی همچون پروژکتور و سایر رسانه‌ها، اقدامات آن‌ها اغلب به صحبت کردن با دانش‌آموزان، داستان گویی و... محدود می‌شود. آن‌ها معتقد بودند که استفاده از شیوه‌های مختلف مثل نمایش یک فیلم یا استفاده از یک محتوای الکترونیکی کمک بسیار بیشتری در پرورش دانش‌آموزان خودنظم‌ده هم به معلم و هم به دانش‌آموز خواهد کرد و چه بسا تأثیرگذاری اینگونه اقدامات به مراتب بیشتر خواهد بود. همسو با این نتیجه، سنجابی و موسوی (۱۳۹۵) نیز در پژوهش خود مسئله ی اساسی را در ارتباط با درس پرورشی در مدارس دانستند و توجه به مهارت‌های زندگی را در جامعه ی امروزی به عنوان یک ضرورت بیان کردند و در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که آموزش درس پرورشی با استفاده از شیوه‌های چندرسانه‌ای بر میزان خودتنظیمی‌دانش‌آموزان و پیشرفت تحصیلی آنان مؤثر است.

در یافته‌های مربوط به کنترل رفتار و گفتار در دانش‌آموزان که یکی از ابعاد مهم خودنظم‌دهی است، معلمان در برخورد با دانش‌آموزان پرخاشگر یا ناسازگار، راهکارهای مختلفی را به کار می‌بردند. برای مثال برخی از آن‌ها به آموزش تکنیک‌های غلبه بر خشم و مثبت نگری اشاره داشتند و بیان می‌کردند که تمامی‌آین راهکارها برای دانش‌آموزان مفید بوده و موجب شده بود که آن‌ها بتوانند خودنظم‌دهی را در رفتارشان نیز به کار گیرند. این نتایج با پژوهشی که حسین خانزاده (۱۳۹۶) نیز انجام داده بود مطابقت داشت. وی در پژوهش خود تأثیر چندین تکنیک را بر کاهش رفتارهای پرخاشگرانه بررسی کرد و به این نتیجه رسید که آموزش توانایی خودنظم بخشی به طور معنی داری موجب کاهش پرخاشگری در دانش‌آموزان با رفتارهای پرخاشگرانه می‌شود. در این راستا، یافته‌های این پژوهش با نتایج حاصل از پژوهش‌های کوهن وهمکارانش (۲۰۱۷) و ورزلتی و همکارانش (۲۰۱۶) نیز که همگی افزایش ظرفیت خودنظم را در کاهش رفتارهای پرخاشگرانه و بهبود شاخصه‌های روانی مؤثر دانسته بودند، مطابقت دارد.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

از جمله محدودیت‌های این پژوهش این بود که همانند سایر تحقیقات کیفی، براساس اصل اشباع نظری تعداد نمونه‌ها کم بود و همین موضوع امکان تعمیم نتایج را کاهش می‌دهد. همچنین در زمینهٔ فراهم آمدن شرایط مناسب برای مصاحبه و صرف وقت مناسب از سوی مشارکت کنندگان (باتوجه به مشغله کاری بالا)، پژوهشگران با محدودیت‌هایی رو به رو بودند.

پیشنهادها

باتوجه به آنچه که از بررسی و تحلیل داده‌های حاصل از این پژوهش به دست آمد، دربرخی از سطوح کمبودهایی مشاهده شد که برای رفع یا اصلاح آن‌ها پیشنهاداتی در ذیل ارائه می‌شود:

۱- پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های کیفی بیشتری با رویکردهای مختلف همچون پدیدارشناسی، اقدام پژوهی و ... برای شناسایی عمیق‌تر عوامل مؤثر بر خودنظم دهی و راهکارهای اثربخش آن انجام شود.

۲- باتوجه به شواهد به دست آمده از مصاحبه‌ها و نامه‌ها، بیشتر فارغ التحصیلان دانشگاه فرهنگیان اذعان داشتند که گزینش و مصاحبه در این دانشگاه‌ها به صورت دقیق و به سود آموزش و پرورش انجام نمی‌شود. بسیاری نیز از کیفیت پایین کلاس‌های آموزشی و کاربردی نبودن بسیاری از سرفصل‌ها در این دانشگاه‌ها گلایه داشتند. از آنجایی که تربیت نیروی انسانی متخصص در آموزش و پرورش جزو اولین قدم‌ها برای پرورش دانش‌آموزانی که آینده ساز هستند، است، بنابراین پیشنهاد می‌شود که دست اندرکاران دانشگاه‌های فرهنگیان، در جذب نیروها و آموزش آن‌ها دقت و اهتمام بیشتری را به خرج دهند و حتی اگر لازم است در سرفصل‌های آموزشی آن‌ها تغییراتی را ایجاد کنند تا تحصیل معلمان آینده، با بازدهی بیشتری در سطح کاربرد و عملکرد همراه باشد. در این زمینه نیز پیشنهاد می‌شود که در ابتدا پژوهش‌هایی پدیدار شناسانه انجام شود تا با بررسی دقیق وضعیت موجود در این دانشگاه‌ها، نیازهای اساسی برای تغییر آشکار گردد.

۳- آنچه که از گفته‌ها و نوشته‌های معلمان در رابطه با پرورش مهارت کنترل رفتار در دانش‌آموزان به دست آمد این بود که تمام آن‌ها اقداماتی را بیان کردند که بعد از مشاهده ی رفتار اشتباه در دانش‌آموزان به کار می‌بردند و هیچ یک به این موضوع اشاره‌ای نداشتند که پیشگیری بهتر از درمان است . لذا پیشنهاد می‌شود آموزش و پرورش در ابتدا به عنوان آموزشی ضمن خدمت، معلمان را برای اقدامات پیشگیرانه از رفتارهای اشتباه

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

و پرخطر دانش‌آموزان، آماده کند تا آن‌ها هم متوجه اهمیت این موضوع شده و هم در کلاس‌های خود راهکارهای مناسبی را برای تحقق این هدف به کار بندند.

۴- باتوجه به گلایه ی برخی از معلمان مصاحبه شونده مبنی بر کمبود یا نبود مشاور در دوره ی ابتدایی و از طرفی با توجه به اهمیت حضور مشاوران در این دوره، پیشنهاد می‌شود که برنامه ریزان نظام آموزش و پرورش به وجود مشاور تمام وقت در مدارس ابتدایی بیشتر اهمیت داده و آن را به صورت قانونی الزامی در دستور کار قرار دهند.

۵- از آن جایی که نظام آموزش و پرورش در کشور ما به صورت متمرکز اداره می‌شود، موجب شده که به یکی از راهبردهای مهم برای پرورش خودنظم‌دهی که به تعیین اهداف، اجرا و نظارت بر آن‌ها توسط خود دانش‌آموزان مربوط می‌شود، بی توجهی شود. از این رو پیشنهاد می‌شود که دست اندرکاران تعلیم وتربیت، نظام آموزشی را به سمت نیمه متمرکز شدن یا غیر متمرکز شدن به پیش برند که برای شروع نیز می‌توانند محتوای آموزشی و پرورشی را منعطف‌تر نموده و برای برخی از اهداف، اختیار برنامه ریزی و آموزش آن را به مدارس و معلمان واگذار کنند و به تناسب محتوای آموزشی و پرورشی با اقلیم، فرهنگ و شرایط خاص هر منطقه از کشور توجه بیشتری داشته باشند.

۶- محتوای زیاد کتب درسی، اشارات محدود به بحث‌های پرورشی در محتوای کتب، تکرار زیاد برخی از مطالب در چندین پایه متوالی، به روز نبودن محتوای کتب درسی و عدم تناسب زمان اختصاص شده با محتوا از دیگر مشکلاتی بود که بیشتر معلمان به آن اشاره داشتند. لذا پیشنهاد می‌شود که برنامه ریزان آموزش و پرورش در نظام تعلیم وتربیت به این موارد نیز بیشتر توجه کرده و اقداماتی را نیز برای رفع این مشکلات انجام دهند.

۷- تسهیلات ویژه ی معلمان، بالاخص حقوق ماهانه از موارد بسیار تأثیرگذار در کیفیت کاری معلمان است. البته این مسئله که معلمان سرزمین ما بسیار دلسوز هستند و اکثر آن‌ها فراتر از وظیفه و بدون هیچ چشم داشتی فعالیت می‌کنند، برکسی پوشیده نیست. چراکه معلمی شغل انبیاست و هرکس در آن قدم می‌گذارد، خواه یا ناخواه به فردی مسئول و دلسوز تبدیل می‌شود. اما مسلما زمانی که تطابق بیشتری بین سختی کار و حقوق و تسهیلات باشد، اشتیاق و انگیزه ی معلم برای انجام هرچه بهتر وظایف و پرورش همه جانبه ی

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

دانش‌آموزان بیشتر می‌شود. لذا پیشنهاد می‌شود که مسئولان نظام آموزش و پرورش، در جهت رعایت این تطابق و تناسب بیشتر کوشش نمایند و از طرفی برای ادامه تحصیل معلمان مستعد نیز، راه را هموارتر کنند تا روز به روز سطح دانش و آگاهی در آن‌ها بالاتر رود.

منابع

Abbas Nejad, M.H, Fassihi Herands, A. The Relationship between Emotional Self-Regulation Strategies and Students' Emotional Problems. Fourth International Conference on Recent Innovations in Psychology. Tehran. 2017. [Persian]

Abbasi, H.R, Toghi, J. The role of academic self-regulation on students. Eleventh International Conference on Psychology and Social Sciences.Tehran. 2018. [Persian]

Ahmadi, S. The role of the teacher in nurturing learners. Afaq Humanities Monthly, 2019; (28): 66-47. [Persian]

Asadbeygi, A., ShariaatPanah, M., Kazemi, MR. History and development of the students word in the iranian educational ethics system, Ethical Research, 2019; 9(4): 5-26. [Persian]

Asli Pour, H. Explain the dimensions and components of the jihadi management model based on the data theory theory approach. Law Enforcement Research Quarterly, 2017; 2 (13): 427-450. [Persian]

Azar, A., Khaef Elahi, A.,Danaeefard, H., Hadavinejad, M. Exploring the Process of Hypocritical Behaviors in Interpersonal Communication in the Workplace Using Grounded Theory, Sterategic Management Thought, 2011; 4(1): 81-130. [Persian]

Bagheri Poshtgol, Z., Samari, M. The role of self-regulation and its components on the future research ability and academic viability of adult high school students in Urmia. Quarterly Journal of Leadership and Educational Management of Islamic Azad University, Garmsar Branch, 2015; 10 (4): 9-29. [Persian]

Bahrami, H., Shamsi Poor Dehkordi, P. The Effectiveness of Self-Regulation and Meta Cognition Beliefs on Sporting Success in Elite, Expert and Beginner Athletes, Research on Educational Sport, 2016; 4(10): 81-96. [Persian]

Baumeister, R. F., Tice, D. M., & Vohs, K. D. (). The strength model of self-regulation: Conclusions from the second decade of willpower research. Perspectives on Psychological Science, 2018; 13(2): 141-145.

Bazargan, A. An introduction to qualitative and mixed research, by efforts. Tehran: Didar Publications. 2018. [Persian]

Behzadfar, F., Habibi,Z., Hossinkhanzadeh, A.,Seydnori, Z., Taher, M., Mohammadi, H. The Relationship between Academic Self -Regulation and Responsibility with Test Anxiety in Female Students, Journal of Educational Research, 2017; 12(51): 63-78. [Persian]

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

Cadima, J., Verschueren, K., Leal, T., & Guedes, C. Classroom interactions, dyadic teacher–child relationships, and self–regulation in socially disadvantaged young children. Journal of abnormal child psychology, 2016; 44(1): 7-17.

Edossa, A. K., Schroeders, U., Weinert, S., & Artelt, C. The development of emotional and behavioral self-regulation and their effects on academic achievement in childhood. International Journal of Behavioral Development, 2018; 42(2): 192-202.

Enkavi, A. Z., Eisenberg, I. W., Bissett, P. G., Mazza, G. L., MacKinnon, D. P., Marsch, L. A., & Poldrack, R. A. Large-scale analysis of test–retest reliabilities of self-regulation measures. Proceedings of the National Academy of Sciences, 2019; 116(12): 5472-5477.

Entezari, S., Forouzandeh, E. The effectiveness of cognitive and metacognitive skills training on the critical thinking of gifted and ordinary students. Fourth International Conference on Recent Innovations in Psychology. Tehran. 2017. [Persian]

Erdogan, Tolga. The Investigation of Self-regulation and Language Learning Strategies. Universal Journal of Educational Research, 2018; 6(7): 1477-1485.

Etemad Ahari, A., Takhti Pour, M. The Relationship between Self-Regulation and Self-Efficacy with Academic Achievement of High School Girls in Region 2 of Tehran, Educational Administration Research Quarterly, 2015; 7(1): 33-63. [Persian]

Farajzade, M., Sarmadi, M. The Educational System and Methods in the Islamic View and Its Comparison with the School of Existentialism, Ethical Research, 2019; 10(1): 205-222. [Persian]

Fontaine, A. Children's Self-Regulation during Reward Delay. 2018.

Ghafoori, A., Salehi, K. Using Grounded Theory to Represent the Process of the Transmogrification of Values with a Focus on Women, women s studies (Sociological & Psychological), 2017;14(4): 157-208. [Persian]

Hadi, M. Investigating the relationship between teachers 'classroom management styles and self-regulation and students' academic achievement. Management and Entrepreneurship Studies, 2015; 2 (3): 225-234. [Persian]

Heydari, H., Khaleghkhah, A., Alipour, Sh. The Comparison of the Theory of Mind, Cognitive Self-awareness, and Self-regulation among the Students with and without Learning Disorders, Journal of Learning Disabilities, 2018; 7(4): 21-41. [Persian]

Hosseinkhanzadeh, A.A. Effect of Self-Regulation Ability Training on Decreasing Aggressive Behaviors of Students with disruptive behavior, Quarterly Psychology of Exceptional Individuals, 2017; 7(27): 31-52. [Persian]

Jafari, A., Hesampour, F., Samadi Javaheri, M. The Comparison of Quality of Mother-Child Relationship and Anger Self-Regulation Skill between Mothers of Normal and with ADHD Students, Journal of Social Work, 2017; 5(18): 13-24. [Persian]

Kabini Moghadam, S., Entesare Foumani, Gh.H., Hejazi, M., Asadzadeh, H. Comparison of the Effect of Instruction of Self-regulated Learning and Help-seeking Strategies Training to Increase Educational Engagement and Buoyancy of Procrastinating Students, Biquarterly Journal of Cognitive Strategies in Learning, 2020; 7(13): 191-212. [Persian]

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

Kahrazeie, F. The relation of Family Functional with Self-regulation of Academic and Inhibition among high school students, Rooyesh-e-Ravanshenasi, 2017; 6(2): 121-148. [Persian]

Khaleghipour, Sh., Movahedi, M. The effectiveness of cognitive emotion regulation in cognitive emotion regulation of disobedient girls. Journal of Psychological Studies and Educational Sciences, 2017; 2 (17): 133-153. [Persian]

Khanjani, Z., Faroughi, P., Faraji, R. The Effectiveness of Self-regulation Training on Executive Functions of Students with Learning Disabilities, Developmental Pscychology, 2015; 12(45): 51-59. [Persian]

Koohi, M., Karshaki, H., Mahram, B. Investigating the role of Educational Groups and Academic Degrees at Research Self-Regulation of postgraduate Students, Educational Research, 2019; 6(38): 86-106.

Kuhn, M. A., Ahles, J. J., Aldrich, J. T., Wielgus, M. D., & Mezulis, A. H. Physiological self-regulation buffers the relationship between impulsivity and externalizing behaviors among nonclinical adolescents. Journal of youth and adolescence, 2018; 47(4): 829-841.

Lawrence, A. S., & Saileella, K. Self-Regulation of Higher Secondary Students in Relation to Achievement in Mathematics. Online Submission, 2019; 9(1): 258-265.

Li, J. B., & Lau, E. Y. H. Teacher–Student Conflict and Preschoolers' Adjustment in the Transition to Primary School: The Role of Child Self-Regulation and Parents' Positive Relations With Others. Early Education and Development, 2019; 30(3): 423-437.

Lonigan, C. J., Spiegel, J. A., Goodrich, J. M., Morris, B. M., Osborne, C. M., Lerner, M. D., & Phillips, B. M. Does preschool self-regulation predict later behavior problems in general or specific problem behaviors?. Journal of abnormal child psychology, 2017; 45(8): 1491-1502

McCormick, A., Meijen, C., Anstiss, P. A., & Jones, H. S. Self-regulation in endurance sports: theory, research, and practice. International Review of Sport and Exercise Psychology, 2019; 12(1): 235-264.

Mokeilani, H., Dorrani, K., Salehi, K. Phenomenological Analysis of the Religious Beliefs of Students and Offering Strategies for Reducing Challenges and Existing Injuries, Religion & Communication, 2018; 25(1): 157-192. [Persian]

Moradi, A., Babaei, A.R., Karami, J. The Role of Emotional Self-Regulative, and Behavioral Procrastination in Anticipation of Students" School Engagement, Biquarterly Journal of Cognitive Strategies in Learning, 2020; 8(14): 57-71. [Persian]

Olson, Matthew H., Hergenhahn, B.R. An introduction to theories of learning (Translated by AliAkbar Saif). Tehran: Duran Publications; 2009. [Persian]

Panadero, E., Jonsson, A., & Botella, J. Effects of self-assessment on self-regulated learning and self-efficacy: Four meta-analyses. Educational Research Review, 2017; 22, 74-98.

Peyda,N., Sepahvandi, M.A. Azizi, A., Mohammadi, J. Effective Approach to the Study of Aging: Grounded Theory Study, Iranian Journal of Ageing, 2016; 10(39): 88-101. [Persian]

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

Pourshafei, H., Ayoubi, F., Akbari, M., Hosseini, S.M. A look at teacher professional development. Birjand: 4 derakht; 2015. [Persian]

Prinsen, S., Evers, C., Wijngaards, L., van Vliet, R., & de Ridder, D. Does self-licensing benefit self-regulation over time? An ecological momentary assessment study of food temptations. Personality and Social Psychology Bulletin; 2018.

Razeghi, B. Saberi, H. A comparative study of self-regulation and academic achievement among postgraduate students of e-learning and face-to-face systems. Journal of Tehran Paramedical School of Medical Sciences (Payavard Salamat), 2015; 11 (1): 98-105. [Persian]

Riyazi, A., Mirzamohammadi, M.H., Imani, M. Analytical Investigation of Teacher Characteristics in Iranian Education Documents and Its Criticism Using Shahid Sani's Viewpoint, , 2019; 27(43): 77-95. [Persian]

Sadati Firoozabadi, S., Nourani Koutanayi, ZH. Provide a model for teachers' job resilience, based on coping style and the mediating role of religious beliefs. Quarterly Journal of Career and Organizational Counseling. 2016; 8 (26), 126-141. [Persian]

Saif, A.A. Modern Educational Psychology: Psychology of Learning and Teaching. Tehran: Duran Publications, 2013. [Persian]

Salehi, K., Bazargan, A., Sadeghi, N., Shokhouyykta, M. Phenomenological analysis of the perception and experience of elementary school teacher's lives of the weaknesses and strengths of the appraisal-descriptive program, Quarterly Journal of Research in Educational Systems, 2016; 9(31): 19-68. [Persian]

Samadi, S., Mousavi, S.V., Akbari, B., Rezaei, S. The Effectiveness of Self-Efficacy Training on Self-Regulation and Health Behaviors of Procrastinator students, Biquarterly Journal of Cognitive Strategies in Learning, 2020; 8(14): 111-137. [Persian]

Sanjabi, T., Mousavi, F. Designing and compiling a multimedia educational course and its role on the level of cultural intelligence and self-regulation of learning in third grade high school students in Kermanshah. Journal of Educational Management Innovations, 2015; 11 (4): 37-49. [Persian]

Santrock, J. W. Educational psychology (Translated by Shahedeh Saeedi, Mahshid Araghchi and Hossein Daneshfar). Tehran: Rasa Publications, 2008. [Persian]

Sarchahani, Z., Ghanbari, S., Nasiri Valikboni, F.A.S. Designing Conceptual Model of Principals Development in Elementary School of Fars province, Journal of New Approaches in Educational Administration, 2017; 7(4): 1-26. [Persian]

Schmitt, S. A., McClelland, M. M., Tominey, S. L., & Acock, A. C. Strengthening school readiness for Head Start children: Evaluation of a self-regulation intervention. Early Childhood Research Quarterly, 2015; 30: 20-31.

Sen, S., & Yilmaz, A. Devising a Structural Equation Model of Relationships between Preservice Teachers' Time and Study Environment Management, Effort Regulation, Self-Efficacy, Control of Learning Beliefs, and Metacognitive Self-Regulation. Science Education International, 2016; 27(2): 301-316.

Seufert, T. The interplay between self-regulation in learning and cognitive load. Educational Research Review, 2018; 24, 116-129.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

Seydan, S.A., Faghanpour, S., Nourkjouri, Sh. (2018). The Relationship between Academic Self-Regulation and Reflective Thinking with Academic Burnout of Mazandaran University Students. Journal of Psychological Studies and Educational Sciences, 4 (5th International Conference on Educational Psychology and Lifestyle): 26-38. [Persian]

Shabani, H. Educational and Developmental Skills (Theories & Patterns). Tehran: Samt Publications; 2014. [Persian]

Shahidi, M., Zarbakhsh, M.R. The Relationship between State Metacognition and Responsibility with Academic Self-regulation, Quarterly Journal of Child Mental Health, 2016; 2(4): 49-58. [Persian]

Shaykh al-Islami, A. The effect of teaching critical thinking skills on self-regulation of first grade high school students. Research in Educational Systems, 2016; (35): 152-160. [Persian]

Skibbe, L. E., Montroy, J. J., Bowles, R. P., & Morrison, F. J. Self-regulation and the development of literacy and language achievement from preschool through second grade. Early childhood research quarterly, 2019; 46: 240-251.

Sumantri, M. S., & Rachmadtullah, R. The effect of learning media and self regulation to elementary students' history learning outcome. Advanced Science Letters, 2016; 22(12): 4104-4108.

van Loon, M. H., & Roebers, C. M. Effects of feedback on self-evaluations and self-regulation in elementary school. Applied cognitive psychology, 2017; 31(5): 508-519.

Verzeletti, C. , Zammuner, V. L. , Galli, C. , & Agnoli, S. Emotion regulation strategies and psychosocial well-being in adolescence. Cogent Psychology(just-accepted), 2016.

Yerdelen, S., & Sungur, S. Multilevel investigation of students' self-regulation processes in learning science: Classroom learning environment and teacher effectiveness. International Journal of Science and Mathematics Education, 2019; 17(1): 89-110.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]

Using Grounded Theory to Explain the Process of Developing Self-Regulated Students in Elementary Schools with Emphasis on the Role of Teachers

Neda Ashrafian[۱], Keyvan Salehi[۲]

Abstract

The development of Self-regulated learners is one of the most important goals of any educational system and can provide the necessary foundation for sustainable change and development of any society. The purpose of this study is to explain the process of developing Self-regulated learners in elementary school using a qualitative approach and Grounded Theory method with a focus on the role of teachers. Data were collected using semi-structured interviews and letters with 25 elementary school teachers. Respondents were selected based on a theoretical sampling strategy. Data analysis was conducted in three stages: open-ended coding, axial coding, and selective coding, resulting in 48 initial codes, 19 subcategories, and three general categories. Of the intermediate theories thus obtained, "concern for holistic human development" was considered to be the central category. If teachers, as leaders of the educational process, are concerned with the continuous and holistic growth of their students and do so in the best possible way, through contextual conditions such as original content and new teaching tools, and through the rational use of facilities, rules, and time. As an institution that provides guidance and feedback to students, sets the stage for them, motivates them and provides the necessary platform to develop self- regulated students, they will be accompanied by valuable educational and training outcomes that will make them worthy future educators of the society In the future, they will be accompanied by valuable outcomes that will make them worthy future educators of society.

Keywords: self-regulation, upbringing process, teachers, Grounded Theory

1. M.A. of Educational Research, College of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.
2. Assistant Professor of Educational measurement and evaluation, College of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. (corresponding author). keyvansalehi@ut.ac.ir.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-12]